

پژوهش‌ها در معماری اسلامی ۶

شماره شایا - 980 X - 2382

فصلنامه علمی - پژوهشی
قطب علمی معماری اسلامی
سال سوم - شماره اول - بهار ۱۳۹۴

- ▣ بررسی تطبیقی هنجارهای ریخت‌شناسی شهرسازی اسلامی در بافت تاریخی،
(موردکاوی: محله سرچشمه شهر گرگان)
مصطفی بهزادفر / نوشین رضوانی
- ▣ الگوواره دانش روانشناسی محیط در تعامل با اندیشه اسلامی
مسعود ناری قمی / مینو قره‌بگلو
- ▣ ساحت مجهول در معماری، لزوم بررسی ابعاد معرفت شناختی انسان در معماری
سجاد ریش سفید نوش آبادی / آزیتا بلالی اسکویی / محمدعلی کی نژاد
- ▣ تبیین نقش آموزشی فضای باز در مدارس ایران با مطالعه تطبیقی مدارس سنتی تا
معاصر (نمونه‌های موردی: مدرسه‌های چهارباغ، دارالفنون و البرز)
سارا طاهرسیما / هما ایرانی بهبهانی / کاوه بذرافکن
- ▣ میراث معماری اسلامی در ادراک سیاحان خارجی قرون یازدهم تا سیزدهم ه.ق.
مطالعه موردی: تحلیل کیفیت بقای کالبدی مسجد کبود بر مبنای بازخوانی مستندات تاریخی
محمدباقر کبیرصابر / مهناز پیروی
- ▣ تزئینات اجرکاری سلجوقیان و تداوم آن در تزئینات دوران خوارزمشاهی و ایلخانی
عاطفه شکفته / حسین احمدی / امید عودباشی
- ▣ واکاوی تحلیلی معنای کاربردی چهارباغ در کتاب‌ها و نوشته‌های سده هشتم تا یازدهم هجری
محمد مسعود / احمد امین پور / حمید آقاشریفیان اصفهانی



مدیر مسئول: معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران

سر دبیر: مهندس عبدالحمید نقره کار

مدیر داخلی: دکتر محمد منان رئیسی

ویراستار ادبی فارسی: سارا متولی، محمد نقی تسکین دوست

ویراستار ادبی انگلیسی: بشری عباسی

کارشناس مجله: مهندس امیرحسین یوسفی

هیأت تحریریه:

دکتر سید غلامرضا اسلامی: دانشیار دانشگاه تهران

دکتر حسن بلخاری: دانشیار دانشگاه تهران

دکتر مصطفی بهزادفر: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمد رضا پورجعفر: استاد دانشگاه تربیت مدرس

دکتر مهدی حمزه نژاد: استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر اسماعیل شیعه: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر منوچهر طیبیان: استاد دانشگاه تهران

دکتر محسن فیضی: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر حمید ماجدی: دانشیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر اصغر محمد مرادی: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر غلامحسین معماریان: استاد دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر فاطمه مهدیزاده: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

دکتر محمدنقی زاده: استادیار واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

دکتر علی یاران: دانشیار وزارت علوم تحقیقات، فناوری

طراح جلد و صفحه آرا: مهندس امیرحسین یوسفی

قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

لیست داوران این شماره:

دکتر بهمن ادیب زاده: دانشیار دانشگاه شهید بهشتی
دکتر علی اسدپور: مدرس دانشگاه هنر شیراز
دکتر امیراحمد امینیان: استادیار دانشگاه امام رضا (ع)
دکتر محمدرضا پورجعفر: استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر سعیدعلی تاجر: استادیار دانشگاه بوعلی همدان
دکتر محمدحسین ذاکری: استادیار دانشگاه شیراز
دکتر لیلا رحیمی: استادیار دانشگاه تبریز
دکتر محمدمنان رئیسی: استادیار دانشگاه علم و صنعت
دکتر آزاده شاهچراغی: استادیار دانشگاه علوم و تحقیقات
دکتر مهران علی الحسابی: استادیار دانشگاه علم و صنعت
دکتر علیرضا عندلپ: دانشیار دانشگاه امام حسین (ع)
دکتر محمود قلعه نویی: استادیار دانشگاه هنر اصفهان
دکتر محمدباقر کبیرصابر: استادیار دانشگاه تهران
دکتر قاسم مطلبی: استادیار دانشگاه تهران
دکتر غلامحسین معماریان: استاد دانشگاه علم و صنعت
دکتر سیدرسول موسوی حاجی: دانشیار دانشگاه مازندران
دکتر صلاح الدین مولانایی: استادیار دانشگاه کردستان
دکتر مسعود ناری قمی: مدرس دانشگاه کاشان
دکتر بهزاد وثیق: استادیار دانشگاه صنعتی جندی شاپور
دکتر پریسا هاشم پور: استادیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز

نشریه پژوهش‌های معماری اسلامی بر اساس مجوز کمیسیون نشریات وزارت علوم تحقیقات و فناوری به شماره ۱۳۷۲۰۶/۳۱۸ مورخ ۹۳/۷/۲۸ از شماره نخست دارای اعتبار علمی پژوهشی می باشد.

این مجله در پایگاه های (SID) و (ISC) نمایه می شود و برنامه هایی در دست است که مجله در پایگاه (ISI) نیز نمایه شود.



مسعود ناری قمی*

دکتری معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

مینو قره‌بگلو**

استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۴/۳/۲۴

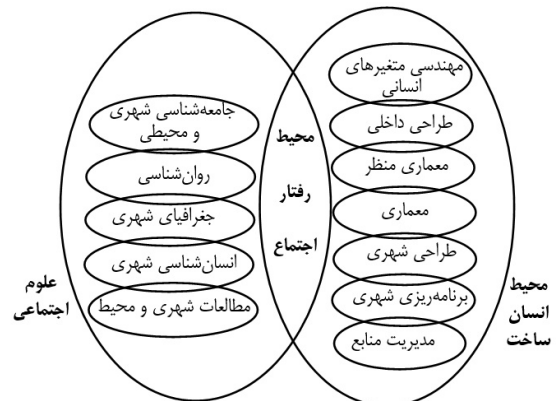
چکیده:

انسان همواره در تعامل با محیطی است که متضمن معانی و سطوح مختلفی می‌باشد و در برابر هریک از آنها رفتار خاصی انجام می‌دهد و از سوی دیگر انعکاس همین رفتار به محیط باز می‌گردد. هدف از این تحقیق ارائه الگوواره‌ایی کاربردی از دانش روان‌شناسی محیطی در تعامل با اندیشه اسلامی است که می‌توان در ساماندهی «مکان-رفتار» های زندگی معاصر در راستای زمینه‌سازی برای سبک زندگی اسلامی از آن بهره جست. در راستای تحقق این هدف، این نوشتار از سه مؤلفه‌ی تشکیل‌دهنده «مکان-رفتار» یعنی انسان، محیط و مکانیزم ارتباط انسان-محیط از منظر اندیشه اسلامی، با طرح سه سؤال در خصوص ویژگی‌های اجتماعی، روان‌شناسی و فرهنگی انسان از منظر اندیشه‌ی اسلامی که بر محیط تأثیر می‌گذارد؛ سطوحی از محیط که تحت شرایطی بر انسان تأثیر می‌گذارد و در نهایت مکانیزم‌های مورد نیاز برای تأثیر متقابل انسان و محیط از منظر اندیشه‌ی اسلامی شروع به کار نمود. در راستای پاسخ‌گویی به سوالات، نیاز به چارچوبی مرجع مطرح گردید که محتوای آن از تعلیمات اسلامی اخذ شود و از مکانیزم‌های علمی روانشناسی محیطی بدون تعارض با آموزه‌های دینی بهره گرفته شود. جهت تبیین این چارچوب در گام نخست، نسبت معرفت‌شناسی دینی با علم تجربی مورد بحث قرار گرفت که بر خلاف دیدگاه تفکیکی مدرن، در دیدگاه اسلامی دین حاکم بر سه حوزه‌ی دین، علم و هنر است. سپس در گام دوم، فضای بحث روانشناسی محیطی اسلامی در سه حوزه‌ی سامانه‌ی فردی-وجودی در قالب انسان‌شناسی دین، سامانه‌ی جمعی-اجتماعی در قالب نگرش دین به جامعه و سامانه‌ی کالبدی-فضایی در قالب نگرش دین به کالبد به‌عنوان سه تجربه فضایی انسان-محیط مورد تحلیل قرار گرفت. در گام نهایی، سامانه‌ای سه‌سطحی جهت بحث در خصوص الگوواره مدنظر تبیین گردید که رجوع به وضع موجود اجتماع و متون اسلامی را شامل می‌شود؛ شناخت «پدیده‌های موضعی»، شناخت «مکانیزم‌های ارتباطی» (بصورت همبستگی یا علی) میان «پدیده‌های موضعی عام» و «خاص» در حوزه‌ی دین که در سطح قبل شناسایی شده‌است و بالاخره ایجاد حلقه‌های پیوسته‌ی مکانیزم‌های «عام» و «خاص» سطح دوم و ایجاد یک زیرسامانه از آنها که با در برخی مفاهیم یا اجزا ممکن است با روانشناسی تجربی همچنان اشتراک داشته باشد. نتایج تحقیق استفاده هم‌زمان دو رویکرد آگاهانه (مبتنی بر ضوابط فقه و احکام) و رویکرد فراآگاهانه (مبتنی بر ارزش‌ها و فضیلت‌ها) جهت تبیین الگوواره روانشناسی محیطی در چارچوب اسلامی قابل طرح می‌داند که به بررسی چهار وضعیت موقعیت پیشین یعنی کیفیت زندگی پیش از مدرنیسم (فرهنگ عامه)، وضعیت موجود به‌معنای کیفیت زندگی حال، وضعیت مطلوب به‌معنای شایسته چه کیفیتی از زندگی بودن از منظر اندیشه اسلامی و وضعیت مقدر یعنی قادر به چه کیفیتی از زندگی کردن جهت ایجاد قرارگاه‌های رفتاری منطبق با اندیشه اسلامی می‌پردازد.

واژه های کلیدی: مکان، رفتار، انسان، روانشناسی محیط، اندیشه‌ی اسلامی.

مقدمه

دانش روانشناسی محیطی، علم تجربی-اکتسابی مطالعه در روابط انسان-محیط است که با گردآوری دانش‌هایی از حوزه‌های مختلف در یک زمینه روانشناختی، به مطالعه روابط، رفتارها و تجارب انسانی در محیط می‌پردازد. روانشناسی محیطی به‌عنوان یک زمینه بین رشته‌ای شامل دانش‌هایی چون انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حتی علوم سیاسی و اقتصاد می‌باشد. به این دلیل است که تعدادی از پژوهش‌گران، مطالعه انسان در محیط را در قالب الگوی «مطالعه محیط - رفتار»^۱ بیشتر ترجیح می‌دهند (برای مثال رجوع کنید به راپاپورت^۲، ۱۹۷۷، ۲). حوزه‌ی مطالعات محیط-رفتار بر مبنای دو دسته ملاحظات مکمل پی‌ریزی گردیده است: دسته نخست، نظام‌های حرفه‌ای طراحی محیط انسان‌ساخت نظیر معماری، طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری و دسته دوم، علوم رفتاری و اجتماعی-فرهنگی.



تصویر ۱. الگوی مطالعات محیط-رفتار؛ (مأخذ: مور^۳، ۲۰۰۴، ۵۰۰)

در راستای دو رویکرد قابل بحث در حوزه روانشناسی محیطی که زمانی که محیط فیزیکی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ رفتار انسانی به‌عنوان نتیجه محیط فیزیکی مطرح می‌گردد (دیدگاه ابژکتیو) و در نگاهی دیگر وقتی رفتار انسانی مورد توجه قرار می‌گیرد؛ محیط فیزیکی به‌عنوان معلول این رفتار تلقی می‌شود (دیدگاه سوژکتیو). هدف از این تحقیق ارائه الگوواره‌ایی از دانش روان‌شناسی محیطی

در تعامل با اندیشه‌ی اسلامی است و به‌عنوان رویکردی جامع در یک زمینه تعاملی رابطه انسان با محیط و تأثیرات این دو بر یکدیگر را به گونه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد که ارزش‌ها، نگرش‌ها و احتیاج‌های او مورد توجه قرار گیرد.

پرسش تحقیق

این تحقیق در پی پاسخ‌گویی به سه سؤال پایه‌ای است:

۱. کدام ویژگی‌های اجتماعی، روان‌شناسی و فرهنگی انسان از منظر اندیشه‌ی اسلامی بر کدام ویژگی از محیط تأثیر می‌گذارد؟ و یا در طراحی باید تأثیر بگذارد؟

۲. کدام سطح از کدام محیط، تحت چه شرایطی، چه اثراتی بر روی انسان دارند؟

۳. با پذیرش تأثیر متقابل انسان و محیط، چه مکانیسم‌هایی نیاز است که آن‌ها را به هم مرتبط کند؟

برای پاسخ‌گویی به سؤال اول نیاز به شناخت انسان از منظر اندیشه‌ی اسلامی است که با نگاهی به متون و تحقیقات صورت‌گرفته، مشخص می‌گردد درخصوص تفاوت انسان‌شناسی اسلام و غرب از لحاظ وجه روحانی بحث‌های زیادی صورت‌گرفته‌است ولی هنوز در بعد موضوعات روانی و اجتماعی جای کار و ابهامات زیادی وجود دارد. برای پاسخ‌گویی به سؤال دوم نیاز به واکاوی وجوه و ابعاد محیط از منظر اندیشه‌ی اسلامی است و اینکه چه سطح یا سطوحی از محیط در الگوواره روانشناسی محیطی از منظر اندیشه‌ی اسلامی قابل بحث است. پاسخ‌گویی به سؤال سوم بعد از پاسخ‌دادن به دو سؤال قبل، به سه صورت قابل تحقق است: ۱. با تعریف اسلام از روان انسان و وجوه محیط چه موضوعاتی در تعامل انسان-محیط اهمیت می‌یابد؟ ۲. موضوع اسلام در پاسخ به حل مسائل محیط چیست؟ ۳. با پاسخ‌های حاصل از تعامل انسان-محیط چه رویکردها، راهبردها و روش‌های تحقیقی قابل طرح است؟

شرح موضوع

این تحقیق با این پیش فرض که جهان‌بینی^۴ [حکمت نظری]^۵ دین اسلام -به‌عنوان مجموعه‌ای از بینش‌ها و تفسیرها و تحلیل‌ها درباره‌ی جهان، جامعه و انسان، ایدئولوژی^۶ [حکمت عملی]^۷ ارائه می‌کند که دلایل چنین





ذاتی با برداشت دینی از «انسان» دارد (بشیری، غروی و آشتیانی، ۱۳۸۸، ۳۹-۲۸)؛ به‌ویژه در مورد مفهوم «خود»، تأثیر انگاره‌ی «خود» روایی یا «خود» انضمامی پست مدرن در نگرش‌های این رشته (گلرخ ۱۳۹۲) که در تقابل کامل با مفاهیم دینی و به‌ویژه اسلامی است (هرسیج و ایزدی ۱۳۹۲، ۱۵۸؛ رشیدیان ۱۳۸۵، ۱۱۸-۱۱۹). همچنین موضوع «انسان ساخته‌ی محیط» (ایتلسون^{۱۲} و همکاران ۱۹۷۴، ۷) که نفی ارزش‌های جاودانه‌ی انسانی و ثبات ذات انسانی در تاریخ را هدف قرار داده است؛ معضلات بنیادی را در بررسی موارد دینی در ذیل این بستر پیش می‌کشد. در مورد مؤلفه‌ی دوم، یعنی «محیط» نیز تعارض مفهومی برقرار است؛ ایتلسون و دیگران (ایتلسون و دیگران، ۱۹۷۴، فصل دوم، به‌ویژه در نتیجه‌گیری فصل، ۵۵) در معرفی علم روانشناسی محیط، نگرش دینی به محیط (که بحث مسیحیت و ادیان شرقی را در برمی‌گیرد) را در طیف مقابل نگرش علمی مطرح نموده و آنها را معیار یکدیگر دانسته‌اند. در مورد مؤلفه‌ی سوم یعنی «مکانیزم‌های رابطه‌ی انسان-محیط» شاید در ابتدا این‌گونه به‌نظر برسد که به‌واسطه‌ی موضع بی‌طرف علمی روانشناسی محیط، این مؤلفه فاقد تعارض با دین باشد؛ اما در نظریات پیشگامان این علم (پروشانسکی^{۱۳} و همکاران ۱۹۷۶، ۲۳؛ ایتلسون و همکاران ۱۹۷۴، ۶۰) با تکیه بر تجربه‌گرایی و نگرش پوپری^{۱۴} به علم، نگرش تاریخی در مقابل نگرش سیستماتیک نسبت به موضوع رابطه‌ی انسان-محیط مطرح شده است. به این ترتیب نگرش علمی روانشناسی محیط کاملاً منوط به گسست از گذشته‌نگری یا آینده‌نگری تاریخی که ممیزه‌ی نگرش دینی است؛ معرفی شده است.

اتکا به سه ویژگی گذشته‌گرایی، آینده‌گرایی و فقدان نگاه سیستمی به مسائل در نگرش به دین، موانع اصلی در پیدایش «علم دینی» در قالب معرفی شده چارچوب (الف) قابل بحث است. هرچند که این موضوع مورد توافق عام علم‌گرایان در حوزه‌ی روانشناسی محیط نیز نیست؛ به‌عنوان مثال در مورد وجود یا عدم وجود نگرش سیستمی در رابطه‌ی انسان-محیط، نتایج تحقیق متأخر راپاپورت (۲۰۰۶، ۴-۱۹۳) حاکی از وجود این نگرش سیستمی

یا چنان‌بودن، زیستن، ساختن یا شدن را تبیین می‌کند؛ در پی آن است که با استخراج آموزه‌هایی از حکمت عملی دین اسلام که بر پایه‌ی حکمت نظری و آن نیز بر پایه‌ی منطق و هستی‌شناسی دین اسلام است؛ به طراحی این الگوواره بپردازد. در راستای ارائه این الگوواره دو چارچوب قابل طرح است:

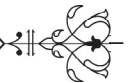
چارچوب (الف) محتوا از دانش روانشناسی محیط وام گرفته‌شود و با پذیرش فرض روانشناسی محیط در خصوص سطوح مختلف محیط (از محیط عینی تا محیط ذهنی)، در بررسی تطبیقی، تأثیر محیط فرهنگی-اجتماعی سنجیده شود.

چارچوب (ب) محتوا از تعلیمات اسلامی وام گرفته‌شود و چارچوبی مرجع متشکل از نظرات دو حوزه اسلام و روانشناسی محیطی تبیین گردد.

در چارچوب (الف) در واقع دین به‌عنوان بخشی از پدیده‌ی ذهنی و در زمره‌ی فرهنگ، در نقاطی از بحث روانشناسی محیط که دو عامل ذهنیت مخاطب و فرهنگ، به‌عنوان محتوا یا به‌عنوان چارچوب‌دهنده به تحقیق مورد نظر قرار می‌گیرد (ریولین^{۱۵}، ۲۰۰۲، ۲) و وارد موضوع می‌شود. راپاپورت (راپاپورت ۲۰۰۸، ۱۹) برای دخیل کردن فرهنگ در طراحی براساس مطالعات محیط-رفتار، نقش توسعه‌یافته‌ای از دین را تا حد مؤثر بر الگوهای ذهنی و رفتاری از تاکیدات روانشناسی محیط معنی می‌کند.

در چارچوب تحقیق بین‌رشته‌ای^{۱۶}، به‌عنوان پارادایمی که از سوی آلتمن و روگوف^{۱۷}، از اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ به‌طور جدی در روانشناسی محیطی مورد توجه قرار گرفته است؛ دین، مفروضات و آثار آن در تحقیق در مورد یک جامعه‌ی خاص می‌تواند مؤثر باشد (ورنر، براون و آلتمن^{۱۸}، ۲۰۰۲، ۲۰۴). در این حالت، مفروضات اساسی علم روانشناسی در سه موضوع ماهیت انسان، ماهیت محیط و ماهیت رابطه‌ی انسان-محیط به صورت پیش-فرض باید پذیرفته شود و دین به عنوان بخشی از پدیده‌ی «انسان-محیط» موضوع مورد مطالعه باشد. در مورد مؤلفه‌ی نخست یعنی ماهیت «انسان»، مفروضات علمی روانشناسی در شاخه‌های مختلف (رفتارگرایی، شناخت‌گرایی، روان‌تحلیلی) تعارضات





نسبت میان علم تجربی با معرفت شناسی

دینی

قرار دادن یک علم تجربی - اکتسابی (مانند روانشناسی محیط) در ذیل دین، معنای به خصوصی دارد. بر خلاف دیدگاه تفکیکی مدرن که سه گانه‌ی دین، علم و هنر را به ترتیب در مقابل احساسات، عقل و حسّیات قرار می‌دهد و گاه، حدّاکثر با درهم آمیختن احساس و حس، سرشت واحدی برای دین و هنر قایل می‌شود (عباسی ۱۳۸۴، ۱۰۹-۷۴؛ رهنورد ۱۳۷۸، ۲۰-۱۷)؛ در دیدگاه اسلامی، دین حاکم بر این سه حوزه است (سیدرضی ۱۳۷۹، خطبه ۱۷۱۸، ۵-۶۴؛ ابن شعبه حرّانی ۱۳۸۲، ۶۹۹) و تنها یکی از ابعاد دین، یعنی «ایمان» با حوزه‌ی احساسات، پیوند قوی دارد.

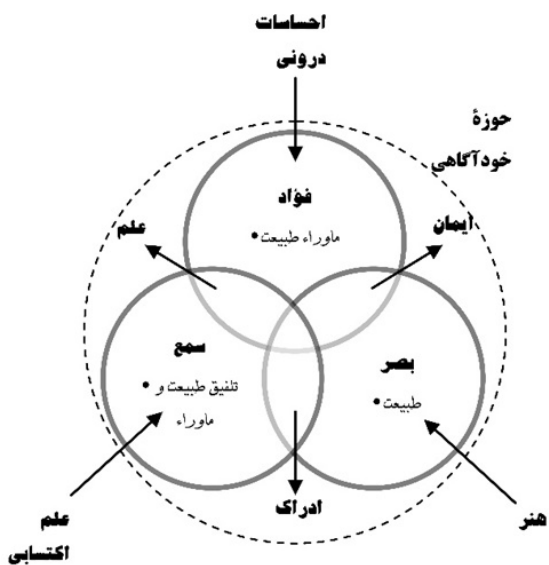
«علم» برخلاف مصطلح امروز، در لسان قرآن، حقیقتی والا و یقینی است که شناختی کلی است و لذا از آگاهی پروردگار، همه جا به «علم»، تعبیر شده، و نوع کاربرد عبارات «اولوالعلم» (قرآن ۲/۱۸)^{۱۸}، «الزاسخون فی العلم» (قرآن ۲/۷)^{۱۹} و «العلماء» (قرآن ۳۵/۲۸)^{۲۰} و الایبی مقام صاحبان علم را می‌رساند. این «علم» چنانکه از ظاهر آیات بر می‌آید؛ امری وابسته به ذهن نیست و خود دارای ماهیت است؛ چراکه چیزی است که به انسان «داده» می‌شود. بر مبنای شواهد متعدد (قرآن ۵۸/۱۱)^{۲۱} و (قرآن ۳۰/۵۶)^{۲۲}، «ایمان» شناختی، نه در طول «علم» بلکه در عرض آن است که به معنای هم ارزش بودن نیست؛ بلکه استقلال نسبی دو حوزه را می‌رساند. با توجه به حدیث مشهور نبوی که «ایمان معرفت با قلب، اقرار با زبان، عمل به ارکان است» (صدوق ۱۳۶۲، ۱۷۹)؛ ایمان متکی به «معرفت» است. «معرفت» را اگرچه حکماء اسلامی به تعابیر مختلف تعریف کرده‌اند؛ اما در زبان وحی «معرفت» مسبوق به «نشانه» است (قرآن ۵۵/۴۱)^{۲۳} و «سیما» به معنی نشانه و علامت است (خسروی حسینی ۱۳۷۵، ج ۲، ۲۸۸). به این ترتیب، معرفت نوعی «تداعی» است و لذا چنین ادراکی، بجر فاعل (مدرک) مبتنی بر دو رکن است؛ ۱. مدرک و ۲. نشانه. نشانه می‌تواند در شیء مادی باشد یا در ذهن (امری که برای روانشناسی تجربی، به سختی قابل هضم

به طور عام در فرهنگ‌های بومی است. راپاپورت به عنوان نمونه‌ی کاملی از نگرش سیستمی، به قواعد محیطی در جامعه‌ی اسلامی (به عنوان مثال در پژوهش حکیم (۱۳۸۱) و اکبر^{۱۵} (۱۹۸۸)) اشاره می‌کند. مطالعه اخیر حکیم^{۱۶} (حکیم ۲۰۱۰، ۲۰۸-۲۱۲) این سیستم را بهتر معرفی کرده است. در موضوع «گذشته‌گرایی» در رابطه‌ی انسان - محیط، راپاپورت با مواضع پوپر به مخالفت برخاسته و تاریخی‌گرایی را در چارچوب علمی روانشناسی محیط، معتبر دانسته است. بدین معنا که نخست مطالعات رفتاری، چارچوبی را برای تحلیل و سازماندهی مفاهیم معماری فراهم می‌کند و سپس، بستر تاریخی در چارچوب آن سنجیده و دانش کاربردی از آن استخراج می‌شود (راپاپورت ۱۹۹۰، ۳۹-۳۹). مشکل تئوریک این رویکرد، چگونگی توجیه تداوم‌پذیری مباحث در روزگار معاصر است چراکه بدون تبیین آن، کاربردپذیری تحلیل با چالش جدی مواجه خواهد شد. راپاپورت (راپاپورت ۱۹۹۰، ۳۱) در بررسی این موضوع، مشخصاً موضع پوپر در ضرورت اجتناب از تاریخی‌گرایی را طرح و به پاسخ‌گویی به اشکالات او پرداخته و نمونه‌های تاریخی را واجد ارزش «تجربی» از لحاظ «علوم رفتاری» می‌داند. بنابراین با اتخاذ چارچوب (الف) تمایل به تمرکز تحلیل بر «بسترهای بی‌زمان» در مورد موضوع معماری اسلامی می‌تواند خطر بالقوه‌ی استخراج «اسلام» از «معماری» را کاملاً بصورت جدی مطرح نماید. در مورد «آینده‌گرایی» به لحاظ نظری، روانشناسی محیط مدعی ایده‌آل‌ها نیست؛ بلکه به آنچه که «هست» می‌پردازد: «روانشناسی محیط، مطالعه‌ی روانشناختی رفتار در محیط کالبدی زندگی روزمره است» (لنگ ۱۳۸۱، ۲۳).

با این حال، در مورد «آینده‌گرایی» این امکان وجود دارد که از مکانیزم‌های علمی روانشناسی محیط، بدون تعارض با آموزه‌های دینی بهره گرفت و این چیزی است که به زعم نگارندگان، بیش از دو موضوع نگرش سیستمی و گذشته‌گرایی در دین، مستلزم ساماندهی بحث در قالب چارچوب (ب) است که الگوی جامع و مانع‌تری در اختیار قرار می‌دهد. اما تبیین آن نیاز به ارائه‌ی بحثی پایه‌ای در خصوص نسبت میان علم تجربی با معرفت شناسی دینی دارد.



در حد اعلی به صورت الهامات غیبی باشد.



تصویر ۲. نسبت خودآگاهی، علم و هنر از دیدگاه اسلامی؛ (مأخذ: نگارندگان)

حال این سؤال مطرح می‌شود که با این بیان، برقراری نسبت میان دین و علم تجربی (در اینجا روانشناسی محیط) به نحوی که این علم در ذیل دین قرار گیرد و نه دین در ذیل آن، چگونه ممکن خواهد بود؟ شهید صدر (صدر ۱۳۶۰، ۱۵-۲۲) این امر را نه به‌عنوان ایجاد محتوای تجربی جدید یا بنای یک علم جدید، بلکه به‌معنای «مکتب» شدن آن، معنی کرده‌است. مکتبی‌شدن علم، تلقی از علم در معنای تولید مکانیزمی است که غایت و چارچوب عمل را از علم خلع و آنرا به دین وامی‌گذارد. این موضوع در حوزه‌ی بحث روانشناسی محیط نیاز به تبیین فضای بحث و سامانه بحث روانشناسی محیطی در چارچوب منظر اسلامی دارد.

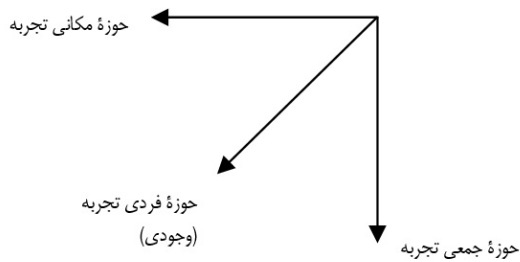
فضای بحث روانشناسی محیطی اسلامی

روانشناسی محیط، سه حوزه‌ی فضایی را توأمان شامل می‌شود. فضای کالبدی (سامانه‌ی کالبدی-فضایی)، فضای اجتماعی (سامانه‌ی جمعی-رفتاری) و فضای فردی-وجودی (سامانه‌ی ادراکی-دریافتی) (تصویر ۳). اگر این فضاها به‌عنوان حوزه‌هایی متمایز تصور شود؛ حضور دین در بحث نیز به حوزه‌های مجزا تفکیک و بحث خواهد شد. در این صورت سامانه‌ی فضای فردی-وجودی، به

است). در ذهن بودن نشانه از آن جهت قابل بحث است که انسان در ضمیر خود دارای حداقلی از ذاتیات است که دستکم «اسماء» تعلیمی از جانب پروردگار به حضرت آدم (علیه السلام) از آن جمله است (قرآن ۲/۳۱). بنابراین راه شناخت حقیقی در حوزه معرفت‌شناسی دینی دو حوزه متمایز را شامل می‌شود که هر دو وجهه‌ای فراتر از ذهنیات دارند و پایه‌ی عمل هستند.

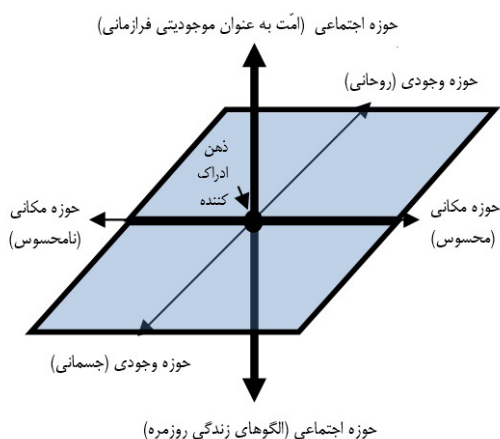
۱. «علم» با ویژگی‌هایی که شاید در بهترین وجه در آیات (قرآن ۱۷۹ و ۱۸/۳۹) متجلی شده باشد؛ سخن از آنانی ابراز می‌کند که پیوسته در حال «دانستن» اند. این «دانستن» دائمی آنان را به خوف و رجاء و کمال عبودیت در قلب و در تاریکی شب می‌کشاند که با اجتناب از «طاغوت» و بازگشت به سوی خدا آغاز می‌شود و ابزار آن «سمع» (شنیدن آگاهانه) است و جایگاه آن «لب» (مغز) است.

۲. «ایمان» چنانکه از ظاهر آیات (قرآن ۴۹/۷) و (قرآن ۵۸/۲۲) و (قرآن ۵۹/۹) بر می‌آید؛ جوششی درونی و مبتنی بر حب و بغض است. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «محکم‌ترین دستگیره‌ی ایمان دوستی در [راه] خدا و دشمنی در [راه] خدا و تولی اولیای خدا و برائت از دشمنان خدای عزوجل است» (شیخ صدوق ۱۳۷۷، ۳۷۹). بنابراین همچنانکه «علم» با «سمع» حاصل می‌شود ایمان با «تذکر به آیات» (قرآن ۸/۲) و «رویت» (قرآن ۳۳/۲۲) فزونی می‌یابد و لذا از آن به نور هدایت‌کننده (روشن‌کننده راه) تعبیر شده است (قرآن ۴۲/۵۲). به این ترتیب رابطه آن با «بصر» و «فؤاد» بیش از علم است و جایگاه آن قلب است. بنابراین در دیدگاه اسلامی می‌توان ادعا نمود که دین، بر تمام حوزه‌ی خودآگاهی حاکمیت دارد و لذا اگر این حوزه دینی شود؛ علم، ایمان و ادراک دینی نیز حاصل می‌شود. بر خلاف دیدگاه تجزیه‌گرا، این سه حوزه (علم، ایمان و ادراک) در عرض دین نیستند؛ بلکه در طول آن و زیر مجموعه‌ی آن هستند. در دیدگاه دینی مساله اصلی واقعیت داشتن، عالم ماوراء طبیعت و حضور همواره‌ی انسان در آن است. بنابراین هر علمی، هر قدر هم متعین باشد؛ باز هم حصول آن با گذار از فیلتر ماوراء طبیعی است. این ماوراء می‌تواند اوهام، احساسات، حب و بغض برخاسته از ایمان یا



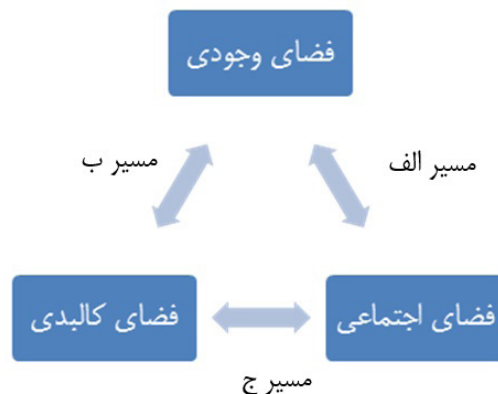
تصویر ۴. محورهای بحث در رابطه‌ی انسان-محیط؛ (مأخذ: نگارندگان)

از جهت «فضای بحث» تفاوت بنیادین روانشناسی محیطی که در حوزه‌ی اسلامی قرار گیرد؛ در وسعتی است که این فضا در محور حوزه‌ی فردی تجربه از «حوزه جسمانی» تا «وجه روحانی» و در محور حوزه‌ی مکانی از «عالم محسوس» تا «عالم نامحسوس (غیب)» و در حوزه‌ی جمعی تجربه از «الگوهای روزمره زندگی» تا بحث «امت» واحد به عنوان موجودیتی فرازمانی» گسترش می‌یابد (تصویر ۵). در نگرش مدرن به دین، چنانکه در چارچوب (الف) شرح موضوع به آن پرداخته شد؛ به عنوان «تجربه‌ی دینی» می‌توان دید که «فضا»ی بحث دینی با فضای بحث روانشناسی محیطی کاملاً متمایز است و فصل مشترکی بجز ذهن ادراک‌کننده ندارد. این امر با بسیاری از ادیان موجود در عالم، حتی مسیحیت در شکل کنونی آن، نزدیک می‌باشد و در حوزه‌ی اسلام نیز نگرش عرفان و تصوف، روبه این جهت دارد (تصویر ۶).



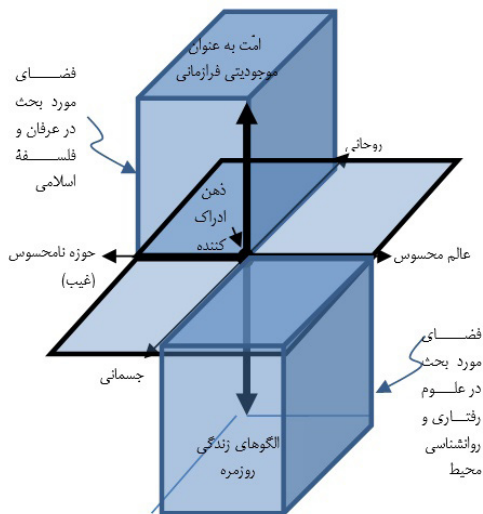
تصویر ۵. توسعه‌ی محورهای بحث در رابطه‌ی انسان - محیط در نگرش اسلامی؛ (مأخذ: نگارندگان)

بحث انسان‌شناسی دین؛ سامانه‌ی فضای اجتماعی، به نگرش دین به جامعه و سامانه‌ی کالبدی، به نگرش دین به کالبد منجر می‌شود. هریک از این مباحث، محتوای جداگانه‌ای را برای بحث فراهم می‌آورد که در هر یک ممکن است چارچوب دینی بتواند مقدم و محیط بر بحث باشد (مثلاً در انسان‌شناسی) یا اینکه فرع بر کل بحث و محاط در آن باشد (مثلاً در بحث کالبدی). محیط یا محاط بودن چارچوب دینی در مورد سه فضای ارتباطی تصویر ۳ نیز محتمل است. به‌عنوان مثال ممکن است تقدّم دین در رابطه‌ی فضای وجودی و فضای اجتماعی (مسیر الف تصویر ۳) محرز باشد؛ اما در دو رابطه‌ی دیگر (مسیر ب، ج تصویر ۳) موضوعات دینی، تنها بخشی از محتوای کلی ارتباط فرد و جامعه با کالبد را تشکیل دهد. اما در واقعیت این سه فضا، سه حوزه مجزا و قابل تفکیک نیستند؛ بلکه بهتر آن است که این سه حوزه را سه بُعد تجربه‌ی فضایی انسان - محیط تصور نمود. به این صورت می‌توان مدلی سه محوری (تصویر ۴) متصور شد. نحوه‌ی حضور «دین» در این عرصه بستگی به چگونگی حضور کلی آن در این فضای سه‌بعدی و نه صرفاً نسبت تجزیه‌شده‌ی آن با این سه محور دارد.

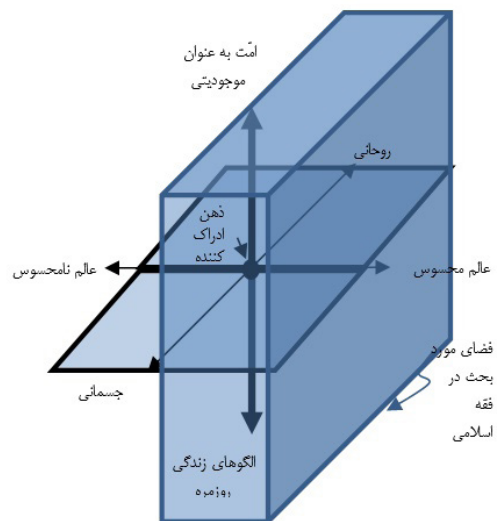


تصویر ۳. فضاهای بحث در رابطه‌ی انسان-محیط؛ (مأخذ: نگارندگان)

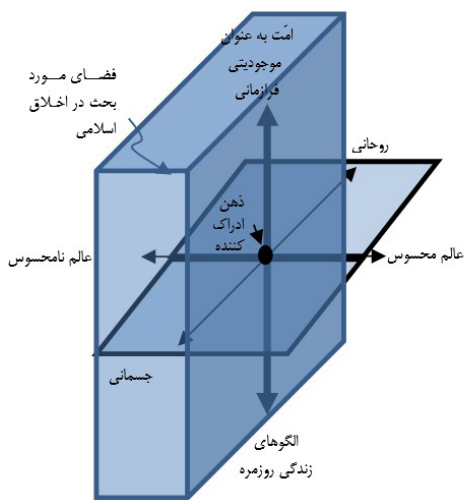




تصویر ۷. نسبت فضای روانشناسی محیطی دینی با فضای بحث در فقه اسلامی؛ (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۶. فضای بحث در رابطه‌ی انسان - محیط در روانشناسی محیط و عرفان اسلامی (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۸. نسبت فضای روانشناسی محیطی دینی با فضای بحث در اخلاق اسلامی؛ (مأخذ: نگارندگان)

اما در صورتی که به جمیع محتویات دینی در حوزه‌ی اسلام نظر شود؛ هر تجربه‌ی محیطی در این صورت ممکن است بخشی در عالم محسوس و بخشی دیگر نیز در عالم نامحسوس (غیب) تجربه گردد که بدون در نظر گرفتن هر دو عالم (محسوس و نامحسوس) تحلیل پدیده ناقص خواهد بود. هرچند که عالم نامحسوس مورد بحث از سنخ ذهنیت مورد بحث روانشناسی نیست که محتویات آن سوپزکتیو تلقی شود؛ بلکه متعین و واقعی و مستقل از کیفیت ذهنیت مخاطب است. در تشریح عالم نامحسوس از منظر اسلامی می‌توان به فرمایش امام صادق (ع) اشاره نمود که «محل مرقد امام حسین (ع) از روزی که در آن دفن شده است؛ روضه‌یی از روضه‌های بهشت است و از آنجا اعمال زائران آن حضرت به آسمان برده می‌شود و هیچ فرشته‌یی در آسمان و زمین نیست مگر اینکه از خداوند زیارت مرقد امام حسین را مسألت می‌کند. گروهی فرود می‌آیند و گروهی به آسمان بازمی‌گردند. همان حضرت فرموده‌اند مرقد امام حسین بیست ذراع در بیست ذراع در بیست ذراع، روضه‌یی از روضه‌های بهشت است» (فتال نیشابوری ۱۳۶۶، ۶۵۰).

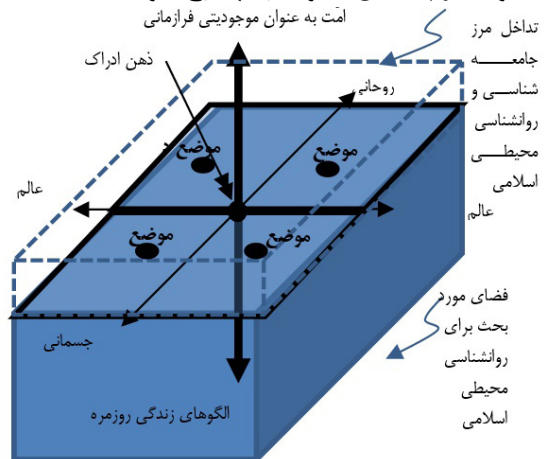
فضای بحث روانشناسی محیطی اسلامی در حوزه‌ی قواعد محسوسات به صورت فقه (تصویر ۷) و در حوزه‌ی غیر محسوسات (عالم غیب) به صورت اخلاق، کاملاً در حوزه‌ی اسلامی تعریف شده است (تصویر ۸).



محیطی کلاسیک را شامل شود. این به معنی آن نیست که با اعمال چارچوب اسلامی، فضای بحث به دو اتمسفر مجزا - یعنی اسلامی و غیراسلامی - تفکیک خواهد شد؛ چراکه بجز امور تحسین شده و معروف، امور مکروه و حرام و نهی شده‌ها در اخلاق و فقه اسلامی، خود بخشی از فضای بحث است. بنابراین در وسعت فضای بحث، نقاط مشخص شده‌ای در فقه و اخلاق اسلامی وجود دارد که در مورد آنها «موضوع گیری» در منابع دینی دیده می شود. این «موضوع گیری»ها را می توان به عنوان مجموعه‌ی «پدیده‌های موضعی» در سامانه‌ی مورد نظر قلمداد کرد. در سطح محدود به حوزه‌ی جسمانی، محور وجودی و حوزه‌ی محسوس، محور حوزه مکانی، رفتارها (موضوع الف تصویر ۹) و در سطح محدود به حوزه‌ی روحانی، محور وجودی و حوزه‌ی محسوس، محور حوزه مکان، آیین‌ها (موضوع ب تصویر ۹) و در سطح محدود به حوزه‌ی جسمانی، محور وجودی و حوزه‌ی نامحسوس، محور حوزه مکان؛ طیفی از ادراکات حسی (موضوع ج تصویر ۹) و در سطح محدود به حوزه‌ی روحانی، محور وجودی و حوزه‌ی نامحسوس، محور حوزه مکان؛ ادراکات روحانی (موضوع د تصویر ۹) قابل شناسایی است. تمامی افعال، نیات، ذهنیات ممدوح و مذموم در اخلاق و فقه، در ذیل این «پدیده‌های موضعی» قرار خواهد گرفت.

در واقع «پدیده‌های موضعی» شناسایی شده در موضوع مورد بحث (روانشناسی محیطی در چارچوب اسلامی) در سطح پدیده‌ها هنوز واقعاً ظهوری ندارد و اگر تنها همین سطح مطرح باشد؛ اصولاً این پدیده‌ها می‌تواند کمابیش در حوزه‌ی همان روانشناسی محیطی تجربی نیز بررسی شود. جهت عملیاتی نمودن، می‌توان پدیده‌ها را در دو حوزه‌ی «پدیده‌های روانی - رفتاری موضعی عام» که مربوط به پدیده‌هایی است که ارتباط مستقیم با محیط ندارد؛ اما «ممکن است» از آن تأثیر بگیرد. بعنوان مثال نوع رفتار و تعاملات بین فردی و «پدیده‌های روانی - رفتاری موضعی خاص» که مربوط به پدیده‌هایی است که وجه کالبدی - محیطی آنها مسجل است؛ طبقه‌بندی نمود تا مطالعه‌ی آنها منسجم‌تر شود. در این حالت ناچار بخشی از واقعیات

با توجه به تصاویر ۶، ۷ و ۸ و با تفکیک حوزه‌ی جامعه‌شناسی دینی از روانشناسی محیطی، فضای بحث روانشناسی محیطی اسلامی بخشی از فقه و اخلاق اسلامی را توأمان شامل می‌شود. باید توجه کرد که تفکیک فضای بحث جامعه‌شناسی و روانشناسی، در نهایت امر قراردادی است و لاجرم تداخل حدود در آنها رخ خواهد داد.



تصویر ۹. تحدید فضای بحث روانشناسی محیطی در چارچوب اسلامی (فضای فوق محور به جامعه‌شناسی اسلامی تعلق می‌یابد)

مقایسه تصویر ۹ و ۶ حاکی از این است که تنها در یک‌چهارم «فضای بحث»، میان روانشناسی محیطی اسلامی و روانشناسی محیطی تجربی اشتراک و تداخل وجود دارد؛ لذا در سه حوزه‌ی دیگر، گذشته از محتوا، مکانیزم‌های مطالعاتی روانشناسی علمی نیز نمی‌تواند مستقیماً به کار گرفته شود و نیاز دارد تا شیوه‌های مطالعاتی خاص خود (از درون حوزه‌ی دینی یا احیاناً حوزه‌های خارج از روانشناسی تجربی) وام گرفته شود که خود، بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد.

سامانه‌ی بحث در حوزه‌ی روانشناسی محیطی در چارچوب اسلامی

جهت بررسی علمی در چارچوب اسلامی برای مطالعه‌ی رابطه‌ی روانی-رفتاری انسان با محیط داعیه‌ی نوشتار این است که می‌توان سامانه‌ای در سه سطح تعریف نمود.

سطح اول (نسبت اسلام با موضوعات روانشناسی محیطی، حتی در حالتی که چارچوب اصلی نیز از اسلام اخذ شود؛ نمی‌تواند و نباید همه‌ی مسائل مبتلا به روانشناسی



تجمّلی و اشرافی را نهی کرده است و پیامبر «ص» فرموده است: هر بنایی که ساخته شود؛ برای صاحب خود- در روز قیامت- و بالی خواهد بود؛ مگر ساختمانی باشد به اندازه نیاز» (حکیمی ۱۳۸۰، ۲۸۵).

در واقع آنچه در حوزه‌ی سمبولیزم یا معانی ضمنی معماری اسلامی در منابع مختلف (نظیر آثار بورکهارت و آثار نصر) مورد اشاره است و «معنا» در معماری اسلامی بر پایه‌ی آن معرفی و ارزیابی شده است؛ تنها پس از تحقق تعامل اجتماعی و سازوکار متحدکننده‌ی «امت واحده» قابل طرح و بررسی است. به بیان ساده‌تر، هر آنچه که به‌نوعی مستلزم «تظاهر» در سطح اجتماع باشد و متمایزکننده‌ی بخشی از جامعه از امت باشد (ابراز هویت فردی یا گروهی)، باید با ابزار «منع شهرت» و هر آنچه به‌عنوان «تظاهر معنایی امت» مطرح شود باید با ابزار «منع تجمّل» و «منع تشبیه به کفار» و نیز «حنیف بودن» (به معنای کناره‌گیری از تمام شیوه‌های جامعه‌های دیگر) سنجیده شود. همه این موارد، نه علت یا مقدمه‌ی تحقق تعامل اجتماعی مطلوب اسلام بلکه تابعی از آن است. تعالیم اسلامی، موضوع هویت‌جویی را از کالبد و تظاهرات مادی به سمت اخلاق حسنه اجتماعی و استفاده از کالبد برای تحقق آن (و نه نمایش کالبدی) می‌کشاند.

«ابو قتاده قمی مرفوعاً روایت کرده است که: در محضر امام صادق (علیه السلام) راجع به فتوت (بزرگواری، شرافت، بلند همتی، جوانمردی) و مروّت (مردانگی، نرم دلی، دلیری) گفتگو می‌کردیم. سپس حضرت فرمودند: بگویید مروّت چیست؟ عرض کردیم: نمی‌دانیم. حضرت فرمودند: به خدا سوگند مروّت آن است که: مرد سفره اطعام خود را در پیشگاه وسیع خانه‌اش بگستراند (تا هر رهگذری از آن بهره‌مند گردد) (فلسفی ۱۳۶۸، ج ۱، ۲۷۷).

در اینجا، یک مکان-پیشگاه خانه- با وصفی اخلاقی و رفتاری از صاحب مکان، هویت‌دار می‌شود. مقاصد رفتاری- اجتماعی که از کالبد انتظار می‌رود آن را برآورده کند یا دستکم در برآوردن آن، نقش مثبت ایفا کند را؛ بر حسب میزان وابستگی به حوزه‌ی فردی و جمعی می‌توان در پنج رده طبقه‌بندی کرد: خلوت، قلمروپایی، ابراز هویت، ارتباط

که متعلّق به حوزه‌ی نامحسوس محور مکان (عالم غیب) است؛ می‌بایست به ناچار به حدّ مصنوعات وهمی ذهن، تنزّل داده شود تا قابل مطالعه گردد. بنابراین صرف در نظر گرفتن نیمه‌ی نامحسوس مکان، بدون هیچ عامل اضافی، نوعی روانشناسی محیطی خاص اسلامی را رغم خواهد زد که نیاز به بحث‌های دیگری دارد که در مجال این نوشتار نیست.

سطح دوم) سطح دوم که نخستین گام واقعی برای ورود به یک «روانشناسی محیطی» در چارچوب اسلامی است؛ به شناسایی «مکانیزم‌های ارتباطی» (بصورت همبستگی یا علی) میان «پدیده‌های موضعی عام» و «خاص» در حوزه‌ی دین که در سطح قبل شناسایی شده است؛ می‌پردازد. مثلاً در حدیث به این امر برمی‌خوریم که: «رسول اکرم (ص) می‌فرمود: بستر خواب پسر بچه با پسر بچه و پسر بچه با دختر بچه و دختر بچه با دختر بچه در سن ده سالگی باید از هم جدا شود. (فلسفی ۱۳۶۸، ج ۳، ۹۰-۸۹). در اینجا شریعت برای تحقق پدیده‌ی موضعی عام، ادراکی- رفتاری (عفت، حیا و ذهنیت صحیح از رفتارجنسی) مکانیزمی مکان‌محور (پدیده موضعی خاص) را تجویز کرده است و کشف یا اعمال آن را به علم واگذار نکرده است. مفهوم اساسی خاص دیگری از تعلیمات اسلامی که می‌تواند به بحث چارچوب دهد؛ مفهوم «موقعیت تکلیفی» است که در مقایسه با «قرارگاه رفتاری» قابل طرح است (رجوع شود به ناری‌قمی ۱۳۹۲، ۶۰۸).

سطح سوم که از پیوند و ایجاد حلقه‌های پیوسته‌ی مکانیزم‌های عام و خاص سطح دوم و ایجاد یک زیرسامانه از آنها پدید می‌آید که در برخی مفاهیم یا اجزا ممکن است با روانشناسی تجربی همچنان اشتراک داشته باشد. به‌عنوان مثال در مورد پدیده‌ی «هویت‌جویی» انسان در اجتماع، دو موضوعی که به معنای محیط مربوط است؛ ابراز هویت و ارتباط معنایی (می‌توان از آنها به رابطه‌ی معنایی جامعه با حوزه‌ی فردی و فرد با حوزه‌ی اجتماعی نیز تعبیر نمود) می‌باشد که در تعالیم اسلامی، مقدمه یا جزئی از ضروریات کالبدی اجتماعی نیست. این امر را «الحیات» چنین توضیح می‌دهد: «قرآن کریم، ساختن ساختمان‌های





سامانه بحث روانشناسی محیطی اسلامی، نگارندگان دو رویکرد آگاهانه و فراآگاهانه را در تبیین الگوواره‌ی دانش روانشناسی محیط در چارچوب اندیشه اسلامی قابل طرح می‌داند.

– رویکرد اول) آگاهانه و مبتنی بر قواعد و ضوابط فقه و احکام است. در این رویکرد با رجوع به منابع اصیل اسلامی سعی می‌شود که مفاهیم پایه از آن منابع دریافت شود و موضع «اسلام» را در مورد محیط انسان ساخت، فارغ از تعین بیرونی واقع شده در طی قرون پیشین ادراک شود. در این خصوص به چهار بحث می‌توان اشاره نمود که در تعالیم اسلامی مستندات آن موجود است (جهت مطالعه تکمیلی رجوع شود به ناری قمی ۱۳۹۲، ۵۹۵):

۱. بیان عناصر محیطی-کالبدی معین در تعالیم اسلامی
 ۲. بیان ویژگی‌های توپولوژیک فضاها در تعالیم اسلامی
 ۳. بیان ویژگی‌های چیدمانی فضا در تعالیم اسلامی
 ۴. بیان ویژگی‌های متریک فضا در تعالیم اسلامی
- رویکرد دوم، فراآگاهانه و هنجاری (تکیه بر ارزش‌ها و فضیلت‌ها) که بر مبنای الگوهای (توصیه یا منع شده) رفتاری است که نظامی برای تنظیم روابط رفتار-کالبد ارائه می‌کند و مقدم بر ذهنیات و حتی ارزش‌های زمانی و مکانی، قابل ارائه و اجرا است. اگرچه این مورد از بدیهیات تعالیم دینی تمام ادیان است اما در مقایسه با مفاهیم سمبلیک، کمتر در عرصه‌ی نظریه‌پردازی مورد تأکید بوده است.

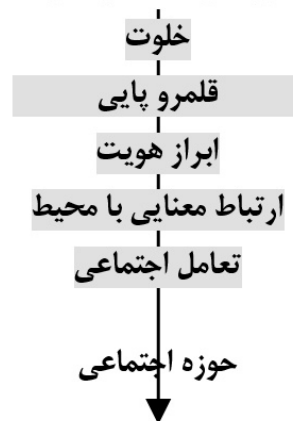
این رویکرد در قیاس با «علوم رفتاری» رایج، به عنوان دیدگاه «سوبژکتیو» نسبت به نقش رفتار اجتماعی، در شکل‌دادن به معماری و دیدگاه «ابژکتیو» (به‌عنوان مثال تئوری «نحو فضا»)، دیدگاه میانه‌ای را مبتنی بر نقش دو عامل سوژه و ابژه و عامل سوم (فرهنگ) در مورد نقش معماری در رابطه با اجتماع مطرح می‌کند.

ب. بحث در علمی بودن تلقی اسلامی از نگرش نسبت به «رابطه‌ی مطلوب انسان - محیط»

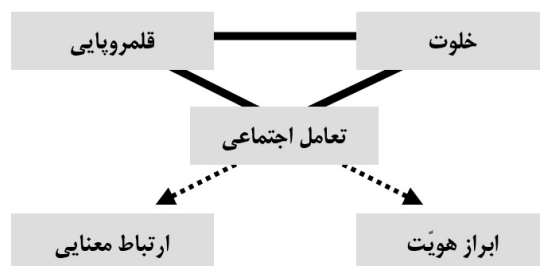
از میان دو رویکرد آگاهانه و فراآگاهانه‌ی فوق، رویکرد اخیر با چالش نظری «علمی بودن» ممکن است مواجه شود؛ چرا که از زمان دیوید هیوم به این سو، جدایی علم از حوزه‌ی هنجارها، در مرکز حلقه‌ی پوزیتیویسم مطرح بوده است (آپیا ۱۳۸۸؛ سروش

معنایی با محیط و تعامل اجتماعی (تصویر ۱۰). با توضیحات مذکور در باب هویت‌جویی از دیدگاه اسلام، نقش اجتماعی کالبد محیط از منظر اندیشه اسلامی را باید در سه عرصه‌ی خلوت، قلمروپایی و تعامل اجتماعی، مورد بررسی قرارداد و این سه عرصه، مقدمه‌ی شکل‌گیری روابط مطلوب در جامعه را رقم می‌زند (تصویر ۱۱). واضح است که بخشی از معنی کالبدی (ارتباط غیر کلامی و غیرنمادین) و هویت محیط که تابعی از سه عرصه‌ی خلوت، قلمروپایی و تعامل اجتماعی است؛ در نقش اجتماعی- رفتاری بصورت تبعی و نه اصلی مندرج است.

حوزه فردی (خانوادگی)



تصویر ۱۰. مقاصد رفتاری اجتماعی کالبد؛ (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۱۱. نسبت مقاصد کالبدی اجتماعی در چارچوب تعلیمات اسلامی؛ (مأخذ: نگارندگان)

بحث در خصوص یافته‌ها

الف) رویکردهای مواجهه با موضوع روانشناسی محیط از منظر اسلام

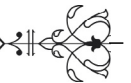
با عنایت به توضیحات مذکور در خصوص فضای بحث و



تأکیدی که بر «کشف» جنبه‌های «انسانی» محیط دارند؛ به لحاظ فلسفی «انسانیت» را فاقد ایده‌آل می‌نگرند و بهترین محیط را محیطی می‌دانند که با ویژگی‌های روانی، رفتاری، اجتماعی و فرهنگی «موجود» در انسان مورد نظر، هم‌خوانی بیشتری داشته باشد (راپاپورت ۱۳۸۴، ۶۷-۶۶). این عبارت، یک حکم ایدئولوژیکی محض است که کاملاً در عرصه‌ی روانشناسی محیطی عادی تلقی می‌شود. این نگرش در گزینش عرصه‌های قابل پرداختن به آن هم تسری دارد. بنابراین فرض جان لنگ (۱۳۸۱) که رویکرد تئوریک مبتنی بر رفتارشناسی را در چپه‌ای برای تئوری اثبات‌گرایانه برای معماری می‌داند؛ خود متضمن تناقض است. هرچند که داعیه‌ی دانش روانشناسی محیطی توجه به آداب، رسوم، ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی و فرهنگی است (پروشانسکی و همکاران ۱۹۷۶، ۲۳)؛ اما ایده‌آل‌های رفتاری و شکل زندگی آن، کمتر مورد توجه طراحان دارای داعیه‌ی انسان‌گرایی قرار گرفته است؛ در حالی که همین حذف یک موضوع از محدوده‌ی شناخت، یک انتخاب هنجاری در این رشته است. به این معنا که آن قدر که به موضوعات «ادراکی» فرهنگ - نظیر معانی و سمبل‌ها - توجه شده است؛ ویژگی‌های ایده‌آلی رفتار فرهنگی مورد دقت نبوده است. مطلبی (مطلبی ۱۳۸۰، ۵۳) موضوع را به تفاوت مسأله‌ی طراحان و مسأله‌ی رفتارشناسان نسبت داده است. علاوه بر معماران، محققان نیز همواره با پس‌زمینه‌ای از اعتقادات فرهنگی (عمدتاً مدرنیستی) به مباحث رفتاری در طراحی محیط توجه کرده و از به رسمیت شناختن باورهای اجتماعی و ایده‌آل‌های فرهنگی ابا نموده‌اند (برای مثال رجوع کنید به (پاکزاد و بزرگ ۱۳۹۱، ۳۳۸)). به بیان دیگر می‌توان ادعا نمود که اثبات‌گرایی مورد نظر بیشتر نظریه‌پردازان ارتباط مکان - رفتار نظیر لنگ (لنگ ۱۳۸۱، ۲۵۳) در باب فرهنگ، بیشتر رنگ هنجاری داشته است. بنابراین تطابق با ویژگی‌های روانی، رفتاری، اجتماعی و فرهنگی موجود در انسان را ایده‌آل تلقی نموده و با یافته‌های حاصل از مطالعه‌ی تجربی در مورد رفتار انسان آن را ارزیابی می‌کنند. در عین حال، نوعی نگرانی ضمنی در این محققان برای از دست رفتن

(۱۳۷۹، ۴۱۵). با این حال، علم روانشناسی محیطی (همانند سایر حوزه‌های روانشناسی)، نمی‌تواند از هنجاری بودن رها شود و هم در مبانی و هم در روش‌ها، می‌توان هنجاری بودن آن را بررسی نمود (مثلاً ترجیح روش‌های آماری بر کیفی یا بالعکس، خود یک ترجیح فراعلمی است). مسأله‌ی دیگری که هر محتوای ذیل این نام را به قلمرو هنجاری می‌کشد؛ نسبت آن با محیط کالبدی و طراحی است. طراحی به‌ناچار با «ارزیابی» از وضع موجود و حکم به «تغییر» آن سروکار دارد و به هیچ وجه نمی‌تواند از آن جدا شود؛ بنابراین عبارت «محیط مطلوب» و معادل‌های آن، همواره درای وجه ایدئولوژیکی خواهد بود؛ ظاهر امر این است که روانشناسی محیطی اثبات‌گرا، یا به این عرصه نگذاشته است؛ بدین معنا که کمتر در متون نظری یا عملی طراحی محیط، در ماهیت رفتار مطلوب، بحث می‌شود و بحث اصلی در این زمینه، بر شناخت رفتارهای موجود متمرکز است و شناسایی ماهیت رفتار مطلوب به حوزه‌هایی به‌جز طراحی موكول می‌شود (مثلاً نگاه کنید به بحرینی ۱۳۷۵، ۴). دو اشکال در این تصور در مورد علم روانشناسی محیط وجود دارد. نخست اینکه انتظار موجود از چنین دانشی، از بیرون، این نیست. کارستن هریس ۳۳ با نقل قولی از شولتز مبنی بر عدم آماده شدن معماران برای مواجهه با وظیفه‌های واقعی، این سؤال را مطرح کرده است که آیا ما حقیقتاً می‌دانیم که این «وظیفه‌های واقعی» چه چیزهایی هستند؟ وی در کنار رجوع به جامعه‌شناسان برای شناخت شیوه‌ی زندگی، تدقیق این وظیفه را کار فلاسفه می‌شمرد (هریس ۱۹۹۷، ۴). لذا یک انتظار مهم از علوم انسانی مزبور، این است که در نظریه‌های ارتباط رفتار اجتماعی و محیط، برای رفتار اجتماعی آینده‌ی انسان در محیط، چگونه برنامه‌ریزی شود و اینکه آیا برای این ارتباط الگویی ایده‌آل وجود دارد؟ آیا به حفظ وضع موجود، رأی داده شود و یا اصلاً برای آن برنامه‌ای وجود ندارد؟ و هر تغییری در این زمینه مطلوب تلقی می‌شود؟

دوم اینکه کسانی که از حوزه‌ی روانشناسی محیط به عرصه‌ی تحلیل یا طراحی کالبدی پرداخته‌اند؛ کاملاً پیش‌فرض‌های هنجاری خاصی را وارد موضوع کرده‌اند و با آن کار می‌کنند: رفتارشناسان محیطی (مانند آلتمن، لنگ) در کنار انسان‌شناسان محیطی (مانند راپاپورت) با



در نگاه مفهومی رویکرد اسلام در رابطه رفتار اجتماعی با محیط کالبدی، نه مانند رفتارگرایان، متناسب کردن محیط با الگوهای رفتاری موجود (یا حتی بخشی از آن که به واسطه‌ی توافق جمعی ممکن است مطلوب دانسته شود) به‌عنوان ایده‌آل تلقی می‌شود؛ نه تحقق هم‌پیوندی فضای اجتماعی کشف‌شده از وضع موجود (در نحو فضا) و نه مانند مدرنیست‌ها، رویکرد اتوپیایی انسان‌محور پذیرفته می‌شود. قدر مسلم آن است که از دیدگاه اسلام، «انسانیت»، کیفیت‌ی کمال‌جویانه و در ساختار دین متعین و امری است که باید «بشود»؛ است.

ج. الگواره روانشناسی محیطی اسلامی

طبیعتاً یک دانش روانشناسی محیطی اسلامی، باید روابط انسان-محیط را شناسایی کند. در روانشناسی محیطی مصطلح، محدود شدن به بازه‌ی عرفی زمان حال، کفایت می‌کند؛ زیرا موضوع شناخت، در همین بستر واقع است. اما در آنجا هم نوعی رویکرد مستتر نسبت به به آینده وجود دارد؛ لذا پرداختن به آن در حوزه‌ی اسلامی هم امر غریبی نیست. با این وجود، مسأله‌ی خاص دیگری در حیطه‌ی «شناخت» در حوزه‌ی اسلامی وجود دارد که ممکن است در روانشناسی محیطی معمول، چندان مطرح نباشد. این موضوع را می‌توان چنین بیان نمود که از یک دانش روانشناسی محیطی اسلامی، انتظار می‌رود که بتواند شرایط یا مکانیزم‌هایی را در کیفیت محیط معرفی کند که تحقق آنها، در پیدایش یا تثبیت رفتارهای مبتنی بر سبک زندگی اسلامی، مؤثر باشد. این موضوع از آنجا که حاوی «مکانیزم»ها است؛ غیرعلمی نیست (یعنی مشتمل بر جملات شرطی اگر... آنگاه... است و نه هنجاری)؛ اما به‌لحاظ بستر تجربی مطالعه، برخلاف روانشناسی محیطی عادی، با نوعی فقر نمونه‌ی مطالعاتی مواجه است؛ زیرا هم انسان‌های موجود و هم کالبد موجود، از سبک زندگی اسلامی فاصله‌ی زیادی دارند و لذا آزمون تجربی مزبور، کمتر محتمل است. حتی اگر آزمون‌ها بر قشر مذهبی اعمال شود و به این وسیله معضل وجه انسانی آزمون تجربی حل شود؛ معضل وجه کالبدی همچنان به قوت خود باقی است. به ویژه که کالبد زندگی معاصر، بدلیل وارداتی بودن الگوها، فاقد نسبت وجودی با سبک زندگی افراد است (یعنی از این سبک زندگی

جنبه‌های انسانی محیط، می‌تواند به معنی وجود اعتقاد به تغییرپذیری «ذات انسانی» دانسته شود که عوامل نامساعد -از جمله محیط- می‌تواند آن را تهدید کند.

نگاه معماران دوران مدرنیسم و تمام معماری‌هایی که ارزش‌های معماری را نه از درون اجتماع، بلکه از تشکلی حرفه‌ای یا حکومتی، اخذ کرده‌اند را می‌توان نوعی «دیکتاتوری معمارانه» دانست که معمار برای تحقق تأثیرگذاری فضا و نه رفتار مطلوب اجتماع، به آن صورتی که مطلوب (برای خود یا کارفرما) می‌داند؛ فضا را سازماندهی می‌کند. این دیدگاه از منظر بحث نوشتار حاضر، «انسانیت» را به معنی «انسان‌بودن»، امری متعلق به گذشته می‌نگرد. بدین معنا که تأثیرپذیری انسان و تغییرات در عرصه‌ی زندگی او به شرط «نو» بودن، پذیرفتنی است. بنابراین در این دیدگاه تلاش برای حفظ چیزی به نام «جوهر انسانی مخاطب» موجب نگرانی طراح نیست و امری ضروری تلقی نمی‌شود؛ چراکه این موضوعات متغیر، به ذات انسانی و طبیعی انسان خدشه وارد نمی‌کنند و «انسان بودن» چیزی است که وابسته به منشأ تولد است و نه تأثرات بعدی^{۳۴}. اگر این رویکرد را از جنبه‌ی اختیارات و قدرتی که برای طراحی در آن تصور شده است؛ مترادف با «جبریت معماری» بدانیم که مورد مناقشه‌ی طراحان محیط و رفتارشناسان محیطی است (آلتمن ۱۳۸۲، ۶-۷؛ هیلپر ۲۰۰۷، ۱۴۱)؛ ناکارآمدی آن در تبیین مسائل محیطی (لنگ ۱۳۸۱، ۱۱۶-۱۱۵) عقیده‌ای است که همچنان مورد تردید است.

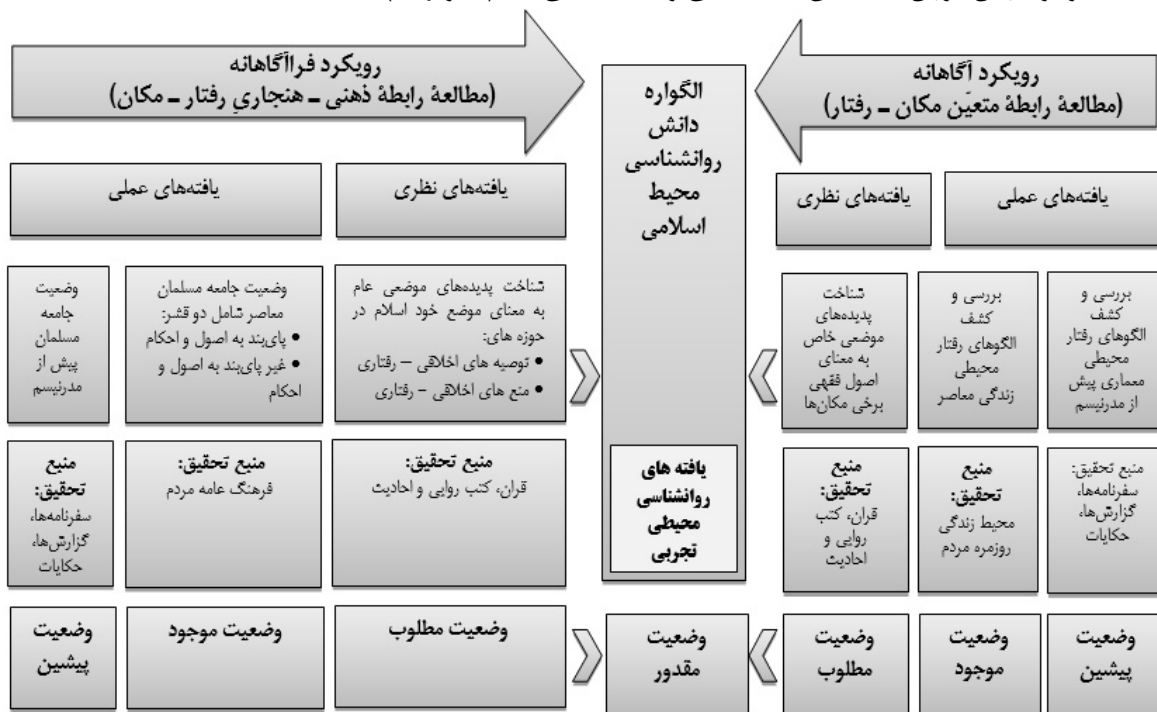
مطابق این دیدگاه رفتار اجتماعی انسان، در عمده‌ی حالات در یکی از دوسر طیف، دیده می‌شود؛ یا وضع موجود آن، کمال مطلوب است و تنها عامل مشروط‌کننده‌ی آن خواست جمعی است و یا اینکه کمال مطلوب نه از عینیت اجتماعی موجود، بلکه از ذهنیت یک انسان در مورد امر مطلوب پدید می‌آید که منجر به دیدگاه‌های اتوپیایی می‌شود که عمدتاً مادی‌گرایانه است؛ چراکه ذهنیت انسان منفصل از معنویت، با این حوزه آشنا تر است^{۳۶} و به لحاظ نظری التزام به قیود اخلاقی یا دینی در آن ضرورتی ندارد. در چنین بستر مفهومی، ویژگی بنیادی رویکرد اسلام در رابطه‌ی رفتار اجتماعی با محیط کالبدی، اهمیت صدچندان می‌یابد.





حدی جای خالی بستر تجربی برای مطالعه‌ی رفتار-محیط را در حالتی که هر دو موضوع دارای رابطه‌ی وجودی با هم باشند؛ بر نماید و از طریق آن، برخی مکانیزم‌های محتمل برآمدن الگوی کالبدی از رفتار در حوزه‌ی اسلامی، شناسایی شود. لذا الگوواره‌ی دانش روانشناسی محیط اسلامی مدنظر این تحقیق نیز با هدف ایجاد دانش نظری و عملی با بررسی چهار وضعیت پیشین، کیفیت زندگی پیش از مدرنیسم (فرهنگ عامه)، وضعیت موجود، به معنای کیفیت زندگی حال، وضعیت مطلوب، به معنای شایسته چه کیفیتی از زندگی بودن از منظر اندیشه اسلامی و وضعیت مقدر، قادر به چه کیفیتی از زندگی کردن، برای ایجاد قرارگاه‌های رفتاری منطبق با اندیشه‌ی اسلامی است. توصیه‌ی نگارندگان بهره‌گیری از هر دو رویکرد، آگاهانه و فراآگاهانه است چراکه رویکرد آگاهانه مبتنی بر اصول فقهی و احکامی به‌عنوان پوسته‌ای، شکل و قالب ایجاد کرده و تاحدودی از تحریفات ممانعت می‌کند و درعین حال باب ورودی به معانی و حکمت نظری نیز می‌باشد. رویکرد دوم (فراآگاهانه) نیز درحالت ایده‌ال به محیط‌هایی منجر خواهد شد که معلول الگوهای رفتاری توصیه‌شده اسلام می‌باشد (تصویر ۱۲).

برنیامده است؛ بلکه رابطه‌ی معکوس آن بیشتر است؛ سبک زندگی، خود را با کالبد وارداتی تطبیق داده است). رجوع به کالبد‌های پیشین، نیز بدون مطالعه‌ی رفتارهای متعلق به آنها در زمان استفاده، نسیتی با روانشناسی محیط ندارد. چنانکه در ابتدای نوشتار از راپاپورت (۱۹۹۱) نقل شد؛ یک راه حل معضل مزبور، رجوع علمی و رفتارشناسانه به پیشینه‌های کالبدی است؛ این رویکرد در تجارب بین رشته‌ای میان باستانشناسی و علوم رفتاری، دارای پیشینه‌ی علمی حدود سه دهه و مبانی خاص خود است (کنت ۳۷ ۱۹۹۳- این کتاب مجموعه‌ای از مقالات افراد مشهوری چون راپاپورت، لارنس و ... را به همراه مطالعات موردی گرد آورده است). در حوزه‌ی اسلامی، این رویکرد اهمیت بیشتری دارد؛ با این فرض که در گذشته دو ویژگی وجود دارد که محیط تجربه‌ی امروز فاقد آن است؛ ۱. وجود نسبت مستقیم میان سبک زندگی و الگوهای کالبدی و ۲. احتمال تطابق بیشتر سبک زندگی گذشته با الگوهای اسلامی (بدلیل عدم تأثیرپذیری عمیق جامعه از بیرون). این مفروضات، بخش مهمی را وارد مطالعات رفتار-محیط در حوزه‌ی اسلامی می‌کند و آن، مطالعه‌ی الگوهای رفتار اجتماعی پیشین و تطبیق آن با کالبد موجود از آن دوران است. این مطالعه، می‌تواند تا



تصویر ۱۲. الگوواره‌ی پیشنهادی دانش روانشناسی محیطی در تعامل با اندیشه اسلامی





نتیجه گیری

روانشناسی محیطی تجربی که برای کمک به حل مسائل مبتلا به جوامع در دهه های اخیر دو هدف درک نظری تعاملات انسان- محیط و کاربرد عملی این درک را دنبال کرده است؛ دستاوردهایی در راستای این دو هدف به صورت دانش نظری (نظریه) و یافته های عملی-تجربی داشته است؛ اما کاربرد این دستاوردها برای جامعه ی اسلامی، هم در حوزه ی «توصیف» و هم در مرحله ی «تجویز» با چالش های نظری و عملی مواجه است که ضرورت پرداختن به چیزی به نام «دانش روانشناسی محیط اسلامی» را ضروری نشان می دهد.

پرداختن به رابطه ی مکان با رفتار اجتماعی، از منظر دین با تکیه بر هر یک از دو دیدگاه «سوبژکتیو» و «ابژکتیو» یک «اشتباه روش شناسانه» است. به بیان دیگر، دین نیامده است تا قواعدی را در «پدیده» های موجود کشف یا حتی توصیف کند. به همین ترتیب، استفاده ی مستقیم از ابزار نظریه پردازانه ی آنان نیز نادرست است. چنانکه در بحث «نسبت معرفت شناسی دین با علم تجربی» بحث شد؛ به دلیل آنکه دین، هستی شناسی و سپس ایدئولوژی خود را بدو و نه به صورت اکتشافی از وضع موجود، عرضه می کند؛ طبیعتاً نه از جانب «علمی» که متکی بر شناخت پدیده ها است بلکه از جانب «فلسفی» می تواند به مباحث نظری وارد شود. گرایش به «سمبولیزم» در رابطه ی دین و معماری، با انتقال نقش کالبد به سطح فراهستی شناسانه و مطرح کردن آن به عنوان وسیله ی «تذکر» به هستی شناسی خاص دین، این معضل فلسفی را برای خود حل کرده است؛ اما در بحث اجتماعی، موضوع همچنان حل نشده است. دست کم این امر مسلم است که برای

تبیین نوع دخالت دین در رابطه ی رفتار اجتماعی و کالبد، ابزار متفاوتی مورد نیاز است که در تبدیل «مفهوم» به «پدیده» کارآیی داشته باشد و نه عکس آن. برای دستیابی به این ابزار در این مقاله سه سطح مطالعاتی پیشنهاد شد که توأمآ رجوع به وضع موجود اجتماع و متون اسلامی را شامل می شود. شناخت «پدیده های موضعی»، شناخت «مکانیزم های ارتباطی» (بصورت همبستگی یا علی) میان «پدیده های موضعی عام» و «خاص» در حوزه ی دین که در سطح قبل شناسایی شده است و بالاخره ایجاد حلقه های پیوسته ی مکانیزم های عام و خاص سطح دوم و ایجاد یک زیرسامانه از آنها. سامانه ی حاصل از این بررسی برای آنکه به داده های تجربی در مورد نسبت انسان- محیط مجهز شود؛ نیازمند آن است که علاوه بر وضع حال، تطبیق رفتار گذشته با کالبد آنها را هم (به عنوان نمونه ی ارتباط وجودی زندگی و کالبد اسلامی یا شبه اسلامی) دربرگیرد؛ همچنانکه برای کاربردی شدن این دانش در حوزه ی طراحی، نگاه به تأثیرگذاری مکانیزم های شناسایی شده در آینده نیز مورد نیاز است.

این مقاله با تعریف چارچوب جدید، راه را برای پژوهش در مورد محتواهای مربوط به این چارچوب باز می گذارد؛ به نحوی که هریک از خانه های تصویر ۱۲ می تواند شامل موضوعات تحقیقی میدانی یا کتابخانه ای در آینده باشد و راه را برای گسترش این دانش فراهم سازد. بررسی سطوح سه گانه ی فوق در منابع نقلی و ایجاد پایه ی نظری لازم برای ورود به بررسی میدانی نسبت موجود انسان- محیط، نخستین گام پژوهشی است که پس از این باید در این راستا برداشته شود.

پی نوشت

۱. Environment and Behavior society
۲. Rappaport
۳. Moore
۴. Worldview
۵. Theoretical Philosophy
۶. Ideology
۷. Practical Wisdom





Rivlin .۸

Transactionally Oriented Research .۹

Altman and Rogoff .۱۰

Werner, Brown & Altman .۱۱

Itellson .۱۲

Proshansky .۱۳

Karl Popper .۱۴

Akbar .۱۵

Hakim .۱۶

۱۷. موضوع کمال دین و همه جانبگی آن در خطبه‌ی ۱۸ نهج البلاغه

۱۸. صُمُّ بِكُمْ عَمِّي فِهِمْ لَا يَرْجِعُونَ

۱۹. خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غَشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

۲۰. وَمِنَ النَّاسِ وَالذُّوَابِ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ

۲۱.يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ...

۲۲. وَقَالَ الَّذِينَ أوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

۲۳. يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بَسِيمَاهُمْ فَيُوْخَذُ بِالنُّوَاصِي وَالْأَفْدَامِ

۲۴. وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

۲۵. آمَنَ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَانِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (۹) وَ الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتِ أَنْ يعبُدُوهَا وَ أَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ (۱۷) الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ

الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ (۱۸)

۲۶. وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ

۲۷. لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ

أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَيْدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ

۲۸. وَ الَّذِينَ تَوَوَّأُوا الدَّارَ وَ الْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ

۲۹. أَوْ تَقَى عَرَى الْإِيمَانَ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ وَ تَوَلَّى أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ التَّوْبَى مِنَ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

۳۰. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَ جِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تَلَّيْتْ عَلَيْهِمْ آيَاتَهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

۳۱. وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَصَدَّقَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا

۳۲. كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نُّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ

عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

Karsten Herries .۳۳

۳۴. این، همان اصالت وضع طبیعی است که محور تفکرات اومانستی است -مثلاً آنچه «روسو» می‌گوید. (نگاه کنید به

کاسیرر ۱۳۶۰، ص ۸۹)

Hillier .۳۵

۳۶. برای نمونه‌های طراحی های محیطی با محوریت اتوپیاهاى اجتماعى، نگاه کنید به (پاکزاد ۱۳۸۶)؛ برای بحث فلسفی

نگاه کنید به (کاسیرر ۱۳۶۰، فصل ۵)

Kent .۳۷

منابع

۱. قرآن کریم.

۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. ۱۳۸۲. تحف العقول. ترجمه‌ی جنتی. تهران: انتشارات امیرکبیر.

۳. آریبا، آنتونی. ۱۳۸۸. درآمدی بر فلسفه معاصر غرب. تهران: انتشارات گام نو.





۴. آلمن، ایروین. ۱۳۸۲. محیط و رفتار اجتماعی: خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام، ترجمه‌ی علی نمازیان. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۵. بحرینی، سیدحسین. ۱۳۷۷. فرآیند طراحی شهری. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۶. بشیری، ابوالقاسم، سید محمد غروی، و علی فتحی آشتیانی. ۱۳۸۸. بررسی مفروضه‌های اساسی در باره ماهیت انسان از دیدگاه روان‌شناسی و اسلام. روان‌شناسی و دین (۵): ۷-۴۷.
۷. پاکزاد، جهان‌شاه. ۱۳۸۶. سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۱): از آرمان تا واقعیت. تهران: شرکت عمران شهرهای جدید.
۸. _____، و حمیده بزرگ. ۱۳۹۱. الفبای روانشناسی محیط برای طراحان. تهران: انتشارات آرمانشهر.
۹. حکیم، بسیم سلیم. ۱۳۸۱. شهرهای عربی-اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی. ترجمه‌ی محمدحسین ملک احمدی، عارف اقوامی مقدم. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. حکیمی، محمدرضا، احمد حکیمی، و علی حکیمی. ۱۳۸۰. دائرة المعارف الحیات، جلد ۴. ترجمه‌ی احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. خسروی حسینی، سید غلامرضا. ۱۳۷۵. ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. تهران: انتشارات مرتضوی.
۱۲. راپاپورت، اموس. ۱۳۸۴. معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی. ترجمه‌ی فرح حبیب. تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
۱۳. رشیدیان، عبدالکریم. ۱۳۸۵. از فرد مدرن تا شخص پست مدرن. فصلنامه فلسفه (۱۱): ۱۰۳-۱۲۲.
۱۴. رهنورد، زهرا. ۱۳۷۸. حکمت هنر اسلامی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۵. سروش، عبدالکریم. ۱۳۷۹. تفرج صنع: گفتارهایی در اخلاق و صنعت و علم انسانی. تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی صراط.
۱۶. شریف‌الرضی، محمد بن حسین. ۱۳۷۹. نهج البلاغه. ترجمه‌ی دشتی. قم: مشهور.
۱۷. شیخ صدوق. ۱۳۶۲. الخصال. مصحح علی اکبر غفاری. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. شیخ صدوق، ۱۳۷۷. معانی الاخبار، جلد ۱. ترجمه‌ی عبد العلی محمدی شاهرودی. تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۱۹. صدر، محمد باقر. ۱۳۶۰. اقتصاد ما، ترجمه‌ی ع - اسپهبدی. تهران: انتشارات اسلامی.
۲۰. عباسی، ولی الله. ۱۳۸۴. ماهیت شناسی تجربه‌ی دینی. مجله اندیشه حوزه (۵۱ و ۵۲): ۶۶-۱۵۴.
۲۱. فتال نیشابوری، محمد بن احمد. ۱۳۶۶. روضه الواعظین. ترجمه‌ی مهدوی دامغانی. تهران: چاپ نی.
۲۲. فلسفی، محمد تقی. ۱۳۶۸. الحدیث- روایات تربیتی، جلد ۱ و ۳. محقق مرتضی فرید. تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلام.
۲۳. کاسیرر، ارنست. ۱۳۶۰. فلسفه و فرهنگ. ترجمه‌ی بزرگ نادرزاد. تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۴. گلرخ، شمیم. ۱۳۹۱. مکان و هویت شخصی: نقش محیط کالبدی در شکل‌گیری حس خود. نشریه‌ی تخصصی شهر و معماری بومی (۳): ۹۷-۱۰۸.
۲۵. لنگ، جان. ۱۳۸۱. آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر. تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۶. مطلبی، قاسم. ۱۳۸۰. روانشناسی محیطی: دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری. نشریه هنرهای زیبا (۱۰): ۵۲-۶۷.
۲۷. ناری قمی، مسعود. ۱۳۹۲. یک تئوری اسلامی معماری: بررسی امکان‌پذیری ساخت نظریه معماری منطبق با تعلیمات رفتاری اسلام بر پایه منابع اصلی سنت اسلامی. در کتاب مجموعه مقالات دومین همایش معماری و شهرسازی اسلامی: از نظریه تا کاربرد، ۵۹۱-۶۱۲. تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
۲۸. هرسیچ، حسین، و هجرت ایزدی. ۱۳۹۲. هویت‌های پلورال عالم پست مدرن ثمره‌ی سیاست قدرت‌مدار مدرن. غرب شناسی بنیادی (۷): ۱۳۵-۱۶۱.

References

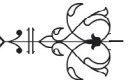
1. Holy Quran.
1. Abbasi, Valiollah. 2005. The Nature of Religious Experience. *Andishe-e-Hozeh Journal* (51-52): 66-154.
2. Akbar, Jamel, 1988, *Crisis in the Built Environment: The Case of the Muslim City*. Singapore: Concept Media Pte Ltd.





3. Altman, Irwin. 2003. *The Environment and Social Behavior: Privacy, Personal Space, Territory, Crowding*. Translated by Ali Namazian. Tehran: Shahid Beheshti University Publications.
4. Appiah, K. Anthony. 2009. *An Introduction to Contemporary Philosophy*. Tehran: Gam-e-Nou Publication.
5. Bahreini, Seyed Hossein. 1998. *The Process of Urban Design*. Tehran: Tehran University Publications.
6. Bashiri, Abolghasem, Seyed Mohammad Gharavi, and Ali Fathi Ashtiani. 2009. Examining Basic Assumptions about Human Nature from the Perspective of Psychology and Islam. *Psychology and Religion* (5): 7-47.
7. Cassirer, Ernest. 1981. *Philosophy and Culture*. Translated by Bozorg Naderzad. Tehran: Institute of Cultural Studies and Researches.
8. Falsafi, Mohammad Taghi. 1989. *Al-Hadith- Educational Traditions*, Vol. 1&3. Scholar Morteza Farid. Tehran: Publications of Publishing Islamic Culture Office.
9. Fattal Neishaburi, Mohammad ebne Ahmad. 1987. *Rozatolvaezin*. Translated by Mahdavi Damghani. Tehran: Ney Publications.
10. Golrokh, Shamin. 2013. Place and Personal Identity: The Role of Physical Environment in Creation the Sense of Self. *Journal of City and Vernacular Architecture* (3): 97-108.
11. Hakim, B. S. 2010. The Generative Nature of Islamic Rules for the Built Environment. *Archnet-IJAR* 4(1): 208-212.
12. Hakim, Basim Salim. 2002. *Arabic-Islamic Cities; Principles of Urban Development and Construction*. Translated by Mohammad Hossein Malek Ahmadi and Aref Aghvami Moghaddam. Tehran: Publications of Ministry of Culture and Islamic Guidance.
13. Hakimi. Mohammad Reza, Ahmad Hakimi, and Ali Hakimi. 2001. *Al-Hayat [The Islamic Lifestyle] Encyclopedia*, Vol. 4. Translated by Ahmad Aram. Tehran: Publishing Islamic Culture Office.
14. Harries, K. 1997. *The Ethical Function of Architecture*. USA: MIT Press.
15. Harsij, Hossein, and Hejrat Izadi. 2013. Plural Identities of Post-Modern World as an Upshot of Modern Power-Centered Politics. *Occidental Studies* 4(7): 135-161.
16. Hillier, Bill. 2007. *Space is the Machine*. Space Syntax.
17. Ibn Shobe Harrani, Hasan ebne Ali. 2003. *Tohafol-Oghoul*. Translated by Jannati. Tehran: Amirkabir.
18. Ittelson, W.H., Proshansky, H., Rivlin, L.G. & Winkel, G.H. 1974. *An Introduction to Environmental Psychology*. Associated with: D. Dempsey, Holt, Rinehart & Winston Inc. USA.
19. Kent, Susan. 1993. *Domestic Architecture and the Use of Space an Interdisciplinary Cross-Cultural Study New Directions in Archaeology*. Britain: Cambridge University Press.
20. Khosravi Hosseini, Seyed Gholamreza. 1996. *Translating and Studing Quranic Words*. Tehran: Mortazavi Publications.
21. Lang, Jon. *Creating Architectural Theory: The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design*. Translated by Alireza Einifar. Tehran: Tehran University Press.
22. Moore, Gary T. 2004. Environment, Behavior and Society: A Brief Lookat the Field and Some Current EBS Research at the University of Sydney, *In Proceedings of the 6th International Conference of the Environment-Behavior Research Association*, 489- 506. China: Tianjin.
23. Motallebi, Ghasem. 2002. Environmental Psychology: New Knowledge in the Service of Architecture and Urban Design. *Honar-ha-ye-Ziba* (10): 52-67.
24. Nari Qomi, Masoud. 2013. A Theory of Islamic Architecture: Investigation the Possibility of Building an Architectural Theory in Accordance with the Behavioral Teachings of Islam referring to Main Sources of Islamic Tradition. *In Second Conference of Islamic Architecture and Urbanism Book: From Theory to Application*, 591-612. Tabriz: Tabriz Islamic Art University.
25. Pakzad, Jahanshah. 2007. *An Intellectual History of Urbanism (1): from Vision to Reality*. Tehran: New Towns Development Company.
26. _____, and Hamideh Bozorg. 2012. *The Alphabet of Psychological Environment for Designers*. Tehran: Armanshahr Publications.
27. Prohansky, H. M., Ittelson, W. H., & Rivlin, L. G. (Eds.). 1976. *Environmental Psychology: People and Their Physical Settings*. New York: Holt, Rinehart & Winston.
28. Rahnavard, Zahra. 2009. *Wisdom of Islamic Art*. Tehran: The Organization of Studying and Editing of





Humanities Book of Universities (SAMT).

29. Rapoport, A. 1977. *Human Aspects of Urban Form: towards a Man-Environment approach to Urban Form and Design*. UK: Pergamon Press.
30. Rapoport, A. 1990, *History and Precedent in Environmental Design*. New York: Plenum Press.
31. Rapoport, A. 2008. Some Further Thoughts on Culture and Environment. *Archnet-IJAR, International Journal of Architectural Research* (2)1: 16-39.
32. Rapoport, A. 2006, Vernacular Design as a Model System, *In Vernacular Architecture in the Twenty First Century: Theory, Education and Practice*, Edited by L. Asquith and M. Vellinga, 179-198. UK: Taylor & Francis.
33. Rapoport, Amos. 2005. *The Meaning of the Built Environment: a Nonverbal Communication Approach*. Translated by Farah Habib. Tehran: Company of Processing and Urban Planning Publication.
34. Rashidian, Abdolkarim. 2006. From the Modern to the Postmodern Person. *Quarterly Journal of Philosophy* (11): 103-122.
35. Rivlin, L. G. 2002. The Ethical Imperative, *In Handbook of Environmental Psychology*, edited by: R.B. Bechtel & A. Churchman, 15-27. New York, John Wiley & Sons Inc.,
36. Sadr, Mohammad Bagher. 1981. *Our Economy*. Translated by A-Espahbodi. Tehran: Islamic Publications.
37. Sharif al-Razi, Mohammad ebne Hossein. 2000. *Nahjolbalaghe*. Translated by Mohammad Dashti. Qom: Mashhur.
38. Sheikh Sadough. 1983. *Al-Khisal*. Edited by Ali Akbar Ghaffari. Qom: Publications of Society of Seminary Teachers of Qom.
39. Sheikh Sadough. 1998. *Maani Al-Akhbar*, Vol.1. Translated by Abdolali Mohammadi Shahroodi. Tehran: Dar al-Koteb-e Eslami Publications.
40. Soroush, Abdolkarim. 2000. *Tafarroj-e Sune: Discourses on Ethics and Human Science and Industry*. Tehran: Serat Cultural Institute.
41. Werner C. M., B. B. Brown & I. Altman. 2002. Transactionally Oriented Research: Examples and Strategies, *In Handbook of Environmental Psychology*, edited by: R.B. Bechtel & A. Churchman, 203-221. New York: John Wiley & Sons Inc.





A Model of Environmental Psychology in interaction with Islamic thought

Masoud Nari Ghomi *

Ph.D graduate of Architecture, Faculty of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran

Minou Gharehbaglou**

Assistant Professor of Architecture, Department of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University

Received: 03/02/ 2015

Accepted: 14/06/2015

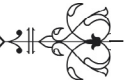
Abstract

Mankind is always interacting with an environment that contains various meanings and layers with each of which the environment behaves differently, and on the other hand, this behavior is effectively reflected back to the environment. In recent decades, experimental environmental psychology has sought to help solve the issues posed to human societies by pursuing two objectives of theoretical understanding of human interactions with the environment and applying this understanding in practice. In pursuit of these objectives, the area of knowledge has succeeded to build theories and achieve practical findings. Nevertheless, applying these achievements in an Islamic society faces theoretical and practical challenges in both «description» and «prescription», which in turn necessitates further investigations about «Islamic Environmental Psychology». The present study aims to present an applied paradigm of environmental psychology in interaction with Islamic thoughts, which can be used to organize «location-behaviors» of contemporary living in order to facilitate the realization of an Islamic lifestyle. In regards, the present study began with the three constituents of «location-behavior»; that is, humans, the environment and the mechanisms needed for the human-environmental interaction, and posed three questions: what social, psychological and cultural characteristics of humans, from the Islamic perspective, affect the environment? What are layers of the environment that affect humans under certain circumstances? And finally, what mechanisms are required for a human-environment interaction in Islamic viewpoint?

To answer these questions, two frameworks were proposed: The first relies on environmental psychology by accepting the assumption about different layers of the environment (from the objective to the subjective environment) and assesses the effect of sociocultural environment in a comparative study. The second framework relies on the Islamic doctrines and develops a reference framework consisting of both Islamic views and environmental psychology views. Following a survey of the two proposed frameworks, the second one was taken as the reference comprehensive framework in this article.

To develop this comprehensive framework, the relation between religious epistemology and experimental science was first discussed. Unlike the modern perspective that sets the religion-science-art trinity against the emotion-intellect-sense one, in respective order, or at most assumes a unity between religion and art by mixing emotion with sense, the Islamic perspective holds that religion rules these three areas, and only one aspect of religion is strongly associated with emotions, which is «faith».

In the second step, the Islamic version of environmental psychology debate was analyzed in three areas of the individual-entity system within the framework of the anthropology of religion, the collective-



social system within the framework of religion's attitude toward society, and the body-space system within the framework of religion's attitude toward the body, not as separate distinctive areas, but as three spatial human-environment experiences. That is to say, the fundamental difference of environmental psychology from an Islamic viewpoint is so vast that it expands from the «bodily area» to the «spiritual aspect» in the individual-entity line, from the «corporeal world» to «incorporeal world (the invisible)» in the body-space line, and from «routine patterns of life» to the debate on the «united ummah as a timeless entity» in the collective-social line. In the final step, a three-layer system was devised to discuss the intended paradigm, which includes collective references to the current state of the society and Islamic texts. The first layer includes identifying «local phenomena» as clear points in Islamic jurisprudence and ethics, whose «position» in religious sources is identifiable in behaviors, rituals, sensory perceptions and spiritual perceptions. In fact, the identified «local phenomena» have not yet really emerged in environmental psychology within an Islamic framework, and if this layer is the only one concerned, this phenomena can be more or less studied in experimental environmental psychology. For practical purposes, the phenomena can be classified in two areas → «general local behavioral-psychological phenomena», indicating phenomena with no direct relationships with the environment, and may only be affected by it, and «specific local behavioral-psychological phenomena», indicating phenomena with an established bodily-environmental aspect. The second layer, which is the first real step toward an «environmental psychology» within the framework of Islam, seeks to identify the (correlative or causal) «relationship mechanisms» between «general» and «specific» local phenomena in religion that have been identified in the previous layer. Finally, the third layer emerges from linking and creating connected loops of general and specific mechanisms of the second layer and through creating a sub-system, and may have certain concepts and components in common with experimental psychology.

According to the results, two approaches are applicable in the development of an Islamic environmental psychology paradigm: a conscious approach and a meta-conscious one. The first approach is informed and based on the rules and regulations of jurisprudence and Islamic orders. In this approach, attempt is made to extract the basic concepts by reference to the original Islamic sources and to understand the Islamic position on man-made environment irrespective of the external determination of the past centuries. The second approach is meta-conscious and normative (relying on values and knowledge), is based on the recommended or prohibited behavioral patterns, provides a system for the regulation of behavior-body relationships, and takes priority over mentalities and even time and place values. Although an axiom of all religious doctrines, this approach has been less emphasized in theorizing, compared to symbolic concepts. Compared to the mainstream «behavioral sciences» as «subjective» perspective on the role of social behavior, this approach proposes a middle perspective in forming architecture and an «objective» perspective, based on the role of the subject and object and the third factor, culture, in relation to the role of architecture in society.

The final outcome of the present study, that is the Islamic environmental psychology paradigm, aims at producing theoretical and practical knowledge and addresses four conditions: past conditions, i.e., the quality of life before modernism (the popular culture), present conditions, i.e., the current quality of life, desirable conditions, i.e., the quality of life deserved by humans from the viewpoint of Islam, and possible conditions, i.e., the quality of life that can be handled by humans, in order to create behavioral benchmarks in accordance with Islamic view point. The authors recommend that both conscious and meta-conscious approaches can be used, since the conscious approach is based on jurisprudence and orders and thus acts as a framing shell, prevents distortions to some extent, and is also the doorway to theoretical knowledge and implications. also, the second approach as the meta-conscious one, should ideally create environments that are affected by the recommended behavioral patterns of Islam

Keywords: Place, Behavior, Human, Environmental Psychology, Islamic thought



Managing Director: vice chancellor for
research-Iran University of Science and Technology

Editor-in-chief: Abdol Hamid Noghreh Kar

Administrative Director:

Mohammad Mannan Raeesi

Administrative assistant:

AmirHosein Yousefi

Persian literary Editor:

Sara Motevalli, Mohammad Naghi Taskin Doost

English literary editor: Boshra Abbasi

Editorial Board Members:

Seyyed Gholam Reza Eslami: Associate Professor,
Tehran University

Hasan Bolkhari: Associate Professor, Tehran University

Mostafa Behzadfar: Professor,

Iran University of Science and Technology

Mohammad Reza Pourjafar: Professor,
Tarbiat Modares University

Mahdi Hamzeh Nejad: Assistant Professor,
Iran University of Science and Technology

Esmail Shieh: Professor, Iran University
of Science and Technology

Manoochehr Tabibian: Professor, Tehran University

Mohsen Faizi: Professor, Iran University
of Science and Technology

Hamid Majedi: Associate Professor, Science and
Research Branch, Islamic Azad University

Asghar Mohammad Moradi: Professor, Iran University
of Science and Technology

Gholam Hossein Memarian: Professor, Iran University
of Science and Technology

Fatemeh Mehdizadeh: Associate Professor, Iran University
of Science and Technology

Mohammad Naghizade: Assistant Professor, Science and
Research Branch, Islamic Azad University

Ali Yaran: Associate Professor, Iran Ministry of Science,
Research and Technology

Design assistant: Eng AmirHosein Yousefi

Reviewers for Volume3, Number6:

Bahman Adib Zadeh: Associate Professor ,Shahid
Beheshti University

Ali Asadpoor: teacher, Shiraz Art University

Mohammad Reza Pourjafar: Professor,Tarbiat
Modares University

Amir Ahmad Aminian: Assistant Professor,Imam
Reza University

Saeid Ali Tajer: Assistant Professor, Boooli
University

Mohammad Hosein Zakeri: Assistant Professor,
Shiraz University

Leila Rahimi: Assistant Professor, Tabriz University

Mohammad Manan Raesi: Assistant Professor, Iran
University of Science and Technology

Azadeh Shahcheraghi: Assistant Professor, Science
and Research Branch,IslamicAzad University

Mehran Alalhesabi: Assistant Professor, Iran
University of Science and Technology

Alireza Andalib: Associate Professor, Imam Hosein
University

Mahmood Ghalenoei: Assistant Professor, Art
Esfahan University

Mohamad Bagher Kabirsaber: Assistant Professor,
Tehran University

Ghasem Motalebi:Assistant Professor, Tehran
University

Gholamhosein Memarian:Professor, Iran University
of Science and Technology

Seid Rasool Moosavi Haji:Associate Professor,
Mazandaran University

Salahedin Molanaie:Assistant Professor, Kordestan
University

Masood Nari Ghomi:Teacher of Kashan University

Behzad Vasigh:Assistant Professor, Jondi Shapoor
University

Parisa Hashempoor:Assistant Professor, Art Tabriz
University





▣ **A Comparative Study of Morphological Norms of Islamic Urbanism in Historical Texture (Case Study: Neighborhood Sarcheshmeh of Gorgan City)**

Mostafa Behzadfar/ Noushin Rezvani

▣ **A Model of Environmental Psychology in interaction with Islamic thought**

Masoud Nari Ghomi / Minou Gharehbaglou

▣ **Unknown Realm in Architecture, Requirement for Study of Epistemological Aspect of Humanity in Architecture**

Sajad Rishsefid Noshabadi / Azita Belali Oskoui / Mohammad Ali Kaynejad

▣ **Determining of educational role of Iranian school open spaces -Regarding the comparative investigation on traditional vs contemporary school (case studies: Chaharbagh, Darlofonoun and Alborz schools)**

Sara Tahersima / Homa Irani Behbahani / Kaveh Bazrafkan

▣ **Architecture Heritage through the Understanding of Foreign Tourists from 15th to 16th century - Case study: Analyses of anatomic resistance quality in Blue Mosque based on rereading the historical documents**

Mohammadbagher Kabirsaber / Mahnaz Peyrovi

▣ **Ijuk Brickwork Decorations and Their Sustainability in Khwarezm and Ilkhanid Decorations**

Atefeh Shekofteh / Hossein Ahmadi / Omid Oudbashi

▣ **Exploring Analysis of the practical meaning of Chahar-bagh, on the basis of eighth to the eleventh century AH. Reference Literature**

Mohammad Masoud / Ahmad Aminpoor / Hamid Agha-SharifianIsfahani